

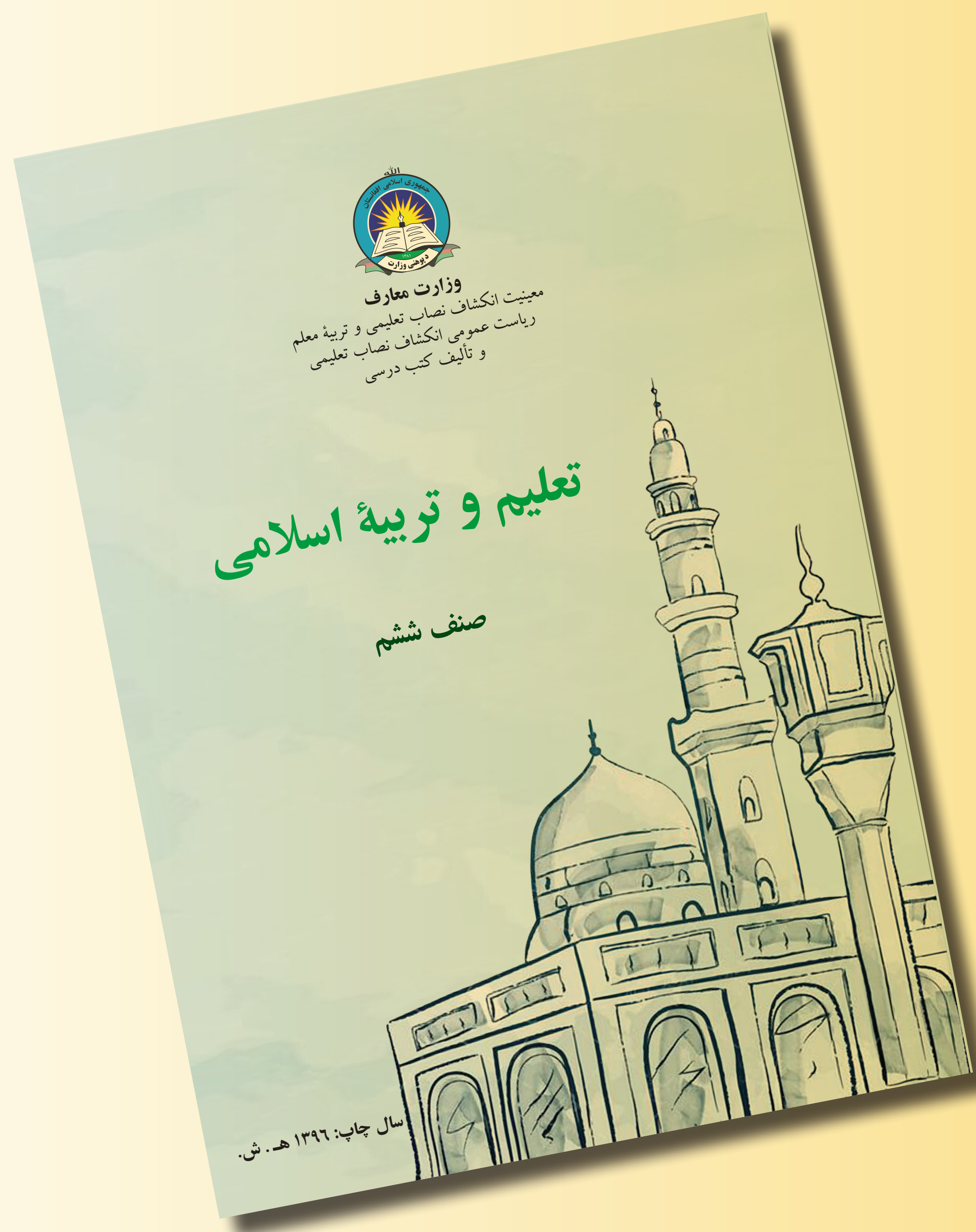
وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیهٔ معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

کتاب معلم

رهنمای تدریس

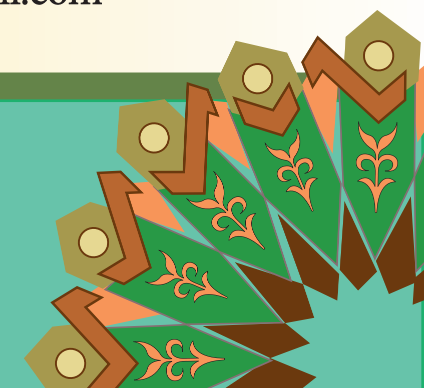
تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف ششم



moe.curriculum@gmail.com

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.





وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف

کتب درسی

کتاب رهنمای معلم

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف ششم

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.

مؤلفان:

- مؤلف سعیداحمد شریفی
-مؤلف نورالحق عارف

- ایدیت علمی‌ومسلکی:

استاد گل آقا شائق

-کمیتهٔ نظارت:

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی‌و تربیهٔ معلم
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژهٔ انکشاف نصاب تعلیمی
- دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی‌انکشاف نصاب تعلیمی‌و تألیف کتب درسی.

- دیزاین:

سید کاظم و عنایت الله غفاری

بسم الله الرحمن الرحيم



ملي سرود

دا وطـــن افغانستــــان دی
دا عــزت د هـــر افغـان دی

کــور د سـولې کــور د تـورې
هــر بچـی یـې قهرمــان دی

دا وطـــن د ټولــو کــور دی
د بلوڅـــــو د ازبکــــــو

د پښتــــوناو هـــزاره وو
د ترکمنــــو د تاجکــــو

ورســره عــرب، گوجــر دي
پامیــریان، نورستانیــــان

براهــوي دي، قزلبــاش دي
هــم ایمــاق، هــم پشـه یـان

دا هیــواد بـه تـل ځلیـږي
لکـــه لمــر پــر شـنه آسمـان

پـه سینــه کــې د آسیــا بــه
لکــــه زړه وي جــــاویدان

نــوم د حــق مــودی رهبـــر
وایــو الله اکبـر وایــو الله اکبـر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف

استادان و معلمان محترم،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعهٔ همه کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد، نصاب تعلیمی‌یکی از عناصر بنیادی و اولیهٔ تعلیم و تربیه بوده که مطابق انکشافات علمی‌و نیازمندی‌های جامعه وضع می‌گردد، واضح است که انکشافات علمی‌و ضرورت‌های جامعه همواره در حال تَطَوُر می‌باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی‌نیز به صورت علمی‌و دقیق مطابق ایجابات عصر و زمان انکشاف نماید؛ البته نباید نصاب تعلیمی‌تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتاب رهنمای معلم که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، با تکیه بر میتودهای جدید تدریس، فعالیت‌هایی در آن اضافه شده که فعال نگاه داشتن شاگردان در عملیهٔ تدریس جزء پلان درسی گردیده است.

امیدوارم محتویات این کتاب که با استفاده از روش‌های آموزش فعال مطابق رهنمودها و پلان تعلیمی‌تعیین شده صورت گرفته مورد استفادهٔ شما استادان عزیز قرار گیرد، و از اولیای محترم شاگردان نیز تقاضا به عمل می‌آید که در تعلیم و تربیهٔ با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای آنان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که استادان و معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی‌رسالت و مسؤولیت بزرگ خویش را اداء می‌نمایند.

وزارت معارف همواره تلاش می‌نماید تا نصاب تعلیمی‌معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیارهای علمی‌با در نظرداشت نیازمندی‌های مُبرم جامعهٔ ما انکشاف نماید.

در این عرصه از تمام شخصیت‌های علمی‌و دانشمندان تعلیم و تربیهٔ کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائهٔ نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود و غنامندی هرچه بیشتر تألیف کتب درسی و رهنمای معلم یاری رسانند.

از همهٔ دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشورهای دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی‌جدید و طبع و توزیع کتب درسی و رهنمای معلم همکاری نموده اند صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می‌نمایم.

و من الله التوفیق

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف جمهوری اسلامی‌افغانستان

فهرست

درس اول
عنوان: منزلت احادیث نبوی

صفحه: ۱

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

۱ – دومین مصدردین اسلام را بدانند.

۲ – معنی ومفهوم حدیث وسنت را بفهمند.

۳ – جایگاه ومنزلت حدیث را بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی
- تعریف سنت وحدیث:

سنت درزبان عربی، به معنای طریقه وروش است، چه طریقه وروش نیک وپسندیده باشدوچه زشت ونکوهیده.

امّادر اصطلاح، سنت درعلوم اسلامی‌معانی وکاربردهای مختلف ومتعدد دارد:

سنت دراصطلاح محدثین وعلمای اصول فقه عبارت است از: قول، فعل وتقریر نبی اکرم ﷺ، معنای قول وفعل روشن است. امّا تقریر، عبارت ازعملی است که درحضوررسول اکرم ﷺ ازصحابه صادرشده باشد وایشان آن را موردتأییدقرارداده باشد، یا به علامت رضایت وموافقت، سکوت اختیارکرده باشد.

گاهی سنت دراصطلاح این علماء دربرابربدعت به کارمی‌رود.

گفته می‌شود: این عمل سنت است یعنی: بدعت نیست، بلکه دلیلی ازکتاب الله وسنت رسول الله برای مشروعیت آن وجود دارد.

سنت دراصطلاح فقهاء: سنت عبارت است از: حکمی که در درجهٔ اهمیت پائین ترازفرض وواجب وبالاترازمستحب باشد. می‌دانیم که درعلم فقه احکام عملی مستنبط ازقرآن وحدیث ازنگاه درجهٔ اهمیت دارای پنج مرتبه است: فرض، واجب، سنت، مستحب ومباح.

تعریف حدیث

حدیث ازنگاه لغوی معنای جدید ونوظهوررا می‌رساند وازنگاه اصطلاحی مترادف است با همان معنای که علمای اصول فقه دربارهٔ سنت به کارمی‌برند، یعنی: قول، فعل وتقریررسول اکرمﷺ را گویند.

دراینجا سنت وحدیث هردو مترادف بوده و منظور ازآن همان معنای می‌باشد که، نزد محدثین وعلمای اصول فقه کاربرد دارد؛ زیرا هدف ما ازاین بحث بیان منزلت حدیث وسنت به عنوان یک دومین منبع اساسی برای شریعت اسلامی‌می‌باشد.

حجیت ومنزلت حدیث وسنت نبوی

پس ازقرآن دومین منبع اسلام سنت رسول اکرمﷺ است، وجزتعدادی اندکی ازفرقه های منحرف بقیهٔ مسلمانان برحجت بودن سنت وحدیث نبوی اتفاق نظردارند، وآن را دومین منبع ازمنابع شریعت اسلامی‌می‌دانند.

حجت بودن سنت ازآن جهت است که پیغمبراکرمﷺ هم مبلّغ قرآن است وهم مفسرآیات ومبین اسرارواهداف وقواعد عمومی‌آن، وهم تفصیل دهندهٔ احکام مجمل آن.

قرآن مبادئ عمومی‌وقواعد کلی واساسات فکری واخلاق نظام اسلامی‌را بیان می‌دارد، اما بیان جزئیات وتفصیلات آن را وچگونگی تطبیق عملی آن را به سنت رسول اکرمﷺ واگذارمی‌کند.

ازاین جهت مراجعه به سنت نبوی بخاطرشناخت تفصیلی احکام وفهم همه جانبهٔ اسلام لازمی‌واجتناب نا پذیرمی‌باشد. بطورمثال امربه ادای نماز، روزه، زکات وحج که ازجملهٔ ارکان اسلام محسوب می‌شوند، درقرآن مجمل ذکرشده اما تفصیلات آن ازقبیل تعداد نمازهای پنجگانه، عدد رکعات نماز، اوقات نمازها، شروط وارکان وآداب نمازوکیفیت ادای آن، حد نصاب زکات، شروط وجوب وادای مقادیرآن وراه های مصرف آن، وبه همین ترتیب ده ها مسألهٔ دیگرمرتبط به فریضهٔ روزه وحج وسایر امور دینی ودنیوی را باید ازسنت فراگرفت، لهذا خداوندﷻ می‌فرماید:

﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (سوره النحل آیت ۴۴).

ترجمه: ومااین ذکر(قرآن) را برتونازل کردیم، تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها بیان کنی.

وهم چنان خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿ لَقَدْ مَنَّ اللّهُ عَلَى الْمُؤمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُّبِينٍ﴾ (سوره آل عمران آیت ۱۶۴) .

ترجمه: خداوند ﷻ برمومنان منت گذاشت، هنگامیکه درمیان آنان پیامبری ازخودشان برانگیخت که آیات اورا برآن ها بخواند، وآن هارا پا ک کند وکتاب وحکمت رابه آنها بیاموزاند، والبته پیش ازآن درگمراهی آشکاری بودند.

خداوند ﷻ درین آیهٔ مبارکه خبرداده که اوبه خاطرتعلیم مردم، به رسول خویش دوچیزاعطا فرموده است:

یکی کتاب که همان قرآن است ودیگری حکمت، جمهورعلماء ومحققین اسلام به این نظراندکه حکمت چیزی دیگری غیرازکتاب است وآن علم به احکام شریعت واسراردین است که ازآن به سنت تعبیرکرده می‌شود؛ زیرا خداوند ﷻ حکمت را به کتاب معطوف کرده ومطابق دستورزبان عربی، عطف اقتضای مغایرت را دارد.

آیات زیاد دیگری نیزهست که، به همین معنی دلالت می‌کند. بطورمثال درآیهٔ (۶۴)سوره نحل خداوند ﷻ تصریح کرده است که درصورتی که مسلمانان درمورد فهم آیتی یا حکمی‌ازقرآن دچاراختلاف شوند، این رسول اکرم ﷺ است که وجه حق درآن را بیان می‌دارد.

درجاهای دیگراطاعت وتسلیم بی قید وشرط دربرابراحکام وفیصله های رسول اکرم ﷺ را برهمهٔ مسلمانان واجب دانسته واطاعت ازاوامرونواهی رسول اکرم ﷺ را الزامی‌حکم کرده است، ودرآیات متعددی اطاعت مقرون با اطاعت خداوند ﷻ قرارگرفته است ودوستی با خدا ﷻ را مشروط ومقید برمتابعت رسول ﷺ گردانده وازمخالفت ازدساتیروی برحذرداشته است، وحتی دربرخی آیات مخالفت اورا کفرتلقی کرده واعراض ازداوری وی را ازنشانهای نفاق دانسته است.

به همین ترتیب خود رسول اکرم ﷺ نیزبرلزوم متابعت سنت تأکید کرده است.

احادیثی که درین مورد ازایشان روایت شده ازنگاه معنوی مجموعاً به حد تواترمی‌رسد ازجمله فرموده است: (كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَأْبَى قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى).

ترجمه: همهٔ امت من وارد بهشت می‌شوند، مگرکسی که ابا ورزد، گفتند: ای رسول خدا چه کسی ابا می‌ورزد؟ فرمود: هرکی ازمن اطاعت کند وارد بهشت می‌شود، وهرکی ازمن نافرمانی کند، درحقیقت ابا ورزیده است.

ونیزفرموده است: (أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعُه).

ترجمه: آگاه باشید که به من قرآن داده شده نیز چیزی مانندآن.

ونیزمی‌فرماید: (تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّه).

ترجمه: درمیان شما دوچیزرا گذاشتم، تازمانیکه به آن ها متمسک باشید، هرگزگمراه نخواهید شد: کتاب خدا وسنت نبی او.

ازهمین جهت صحابه چه درزمانی زنده گی رسول اکرمﷺ وچه بعد ازآن، خودرا ملزم به متابعت ازاقوال، افعال وتقریرات وی دانسته، جزدرمواردیکه ازخصوصیات رسول اکرمﷺ محسوب می‌شد، یا به اجتهاد ات دنیوی محض ارتباط می‌داشت، هرگز به خود اجازهٔ مخالفت با آن را نمی‌دادند ودر امتثال از اوامر وی لحظهٔ درنگ نمی کردند وتردید روا نمی‌داشتند.

ارتباط قرآن باسنت مانند ارتباط مهندس بانقشه است. اگرادارهٔ برای ساختن یک تعمیر، نقشهٔ مفصل آن را به دست یک مهندس ماهر – که به جزئیات وتفصیلات آشنایی کامل دارد - بدهد واورا موظف به انجام آن عمل نماید واوهم این وظیفه را به وجه احسن انجام دهد، درین صورت اگرکسی به آن سا ختمان وبه آن مهندس اعتنا نکرده وازروی آن نقشهٔ عمومی‌وکلی درجستجوی جزئیات وتفصیلات شود، به هدف خود هرگزنایل نخواهد شد.

امام ابن حزم ا ندلسی می‌نویسد: اگرکسی بگوید: من جز به قرآن (به چیزی دیگری) عمل نمی‌کنم، به اجماع امت کافرمی‌شود؛ زیرا دراین صورت تنها باید خودرا ملزم به یک رکعت نماز از زوال آفتاب تا نیمهٔ شب، ویک رکعت دیگرهنگام بامداد بداند وبس چون کم ترین عملیکه نام نمازبرآن واقع می‌شود همین یک رکعت است وحدی برای اکثرش وجود ندارد، هرکی به این باورباشد کافرو مشرک ومباح الدم می‌باشد زیرا درقرآن نماز بطورمطلق ذکرشده ودربارهٔ تعداد رکعات وچگونگی ادای آن توضیح داده نشده است و احادیث آنرا بیان نموده است.

فعالیت های شاگردان	فعالیت های معلم	وقت
مقدمه ۵دقیقه	حین داخل شدن به صنف بعد ازسلام و احوالپرسی، احوال گرفتن حاضری، نظم ونسق صنف، خود را برای شاگردان معرفی نموده و درمورد اهمیت حدیث برای شاگردان معلومات مختصرمیدهد .	مقدمه ۵دقیقه
ارائه درس ۳۰دقیقه	بعد از نوشتن عنوان، متن درس را با آوازمناسب میخواند .برای شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح نموده بالای بعضی نکات مبرم ترکیز بیشتر می‌نماید. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان جانبی را شرح نمایند . برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا دررابطهٔ به حجیت حدیث ازهم دیگرسؤال نمایند . از یک شاگرد میخواهد تا تعریف حدیث را با آواز مناسب بیان کند. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای آنان هدایت میدهد اینکه یک گروپ درمورد تعریف سنت وحدیث و گروپ دیگر درمورد اهمیت حدیث بین هم بحث نمایند.	ارائه درس ۳۰د قیقه
خلاصه درس ۱۰دقیقه	**خلاصه** این درس درنکات ذیل خلاصه میشود: ۱- سنت دراصطلاح محدثین وعلمای اصول فقه عبارت است از: قول، فعل وتقریر پیغمبر ﷺ. ۲ - تقریر، عبارت ازعملی است که درحضوررسول اکرم ﷺ از صحابه صادر شده باشد و ایشان آن را مورد تأیید قرار داده باشد، یا به علامت رضایت و موافقت، سکوت اختیار کرده باشد. ۳ - گاهی هم سنت در اصطلاح این علماء در برابر بدعت به کار	خلاصه درس ۱۰د قیقه

	می‌رود. ۴ - حجت بودن سنت از آن جهت است که پیغمبراکرم ﷺ هم مبلّغ قرآن است و هم مفسر آیات و مبین اسرار و اهداف و قواعد عمومی آن، و هم تفصیل دهندهٔ احکام مجمل آن. قرآن مبادی عمومی و قواعد کلی و اساسات فکری و اخلاق نظام اسلامی را بیان می‌دارد، اما بیان جزئیات و تفصیلات آن را و چگونگی تطبیق عملی آن را به سنت رسول اکرم ﷺ واگذار می‌کند. **کار خانه‌گی :** برای شاگردان وظیفه میدهد تا در ارتباط به تعریف و اهمیت حدیث چند سطر بنویسند.	۵دقیقه
۵دقیقه		

درس: دوم: اقسام حدیث

صفحه: ۳

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

۱- به انواع حدیث آشنایی حاصل نمایند.

۲- تعریف هریک از انواع حدیث را بفهمند.

۳- انواع احادیث را تعریف و بیان کرده بتوانند.

۴- به حدیث رسول الله ﷺ علاقه مند شوند.

دانش لازمی

حدیث از دو لحاظ: متن و سند دو تقسیم داردکه در ذیل توضیح داده میشود:

اولاً- تقسیم حدیث به لحاظ متن آن:

از تعریفی که برای حدیث در درس گذشته بیان شد معلوم می‌شودکه حدیث پیامبر ﷺ به اعتبار ماهیتش به سه نوع ذیل تقسیم می‌شود:

الف- حدیث قولی: آن عبارت است از احادیثی که پیامبر ﷺ آنها را در زمینه های مختلف گفته اند، مانند قول پیامبر ﷺ: **(إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُه إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْه).**

ترجمه: اعمال به نیت ها بستگی دارد و برای هر انسانی آنچه هست که او نیت کرده است، پس هرکی به خاطر مقاصد دنیوی یا ازدواج بازنی، هجرت نماید، به دنیا دست می‌یابد و با آن زن، ازدواج می‌کند، درنتیجه دستاورد هجرت هرکس، همان چیزی است که، به خاطرآن هجرت نموده است.

وقول پیامبر ﷺ (لاَضَرَرَوَ لَاضِرَارَ فِي الإِ سلاَمِ).

ترجمه: در اسلام ضرر رساندن و تحمل ضرر نیست.

در اسلام الحاق ضرر نیست، خواه بدون مقابله باشد یا بطور مقابله. و قول پیامبر ﷺ:**(إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لِوَارِثٍ).**

ترجمه: خداوند ﷻ حق هرصاحب حق را عطاء نموده است، بنابراین وصیت برای وارث نیست، (منسوخ شده).

ب – حدیث فعلی:

آن عبارت است از: اعمالیکه پیامبر ﷺ آنها را انجام داده است. مانند ادای نمازهای پنچگانـه، ادای مراسم حج، قضاوت و داوری پیامبر ﷺ.

ج- حدیث تقریری:

آن عبـارت اسـت از: اقـوال و افعـالی کـه در حضـور یـا در غیـاب پیـامبر ﷺ از اصـحاب کـرام صادرگردیده، ولی پیامبر ﷺ بعد از مشاهده، یا اطـلاع حاصـل کـردن پیرامـون آن سـکوت کـرده باشد، بنابر این تقریر پیامبر ﷺ ازجمله سنت او ﷺ شمرده مـی‌شـود ماننـد سـکوت پیـامبر ﷺ در مقابل نیزه بازان جوانان در مسجد و یا سکوت او ﷺ در برابـر نعـت خـوانی دو کنیـز خوردسـال و امثال اینها.

ثانیاً- اقسام حدیث به اعتبار سند آن:

حدیث به اعتبار اتصال و عدم اتصال سند آن به پیامبر ﷺ به دو بخش ذیل تقسیم می گردد:

الف- حدیث مرسل: آن عبارت از حدیثی است که، تابعی در اثنای روایت آن اسم صـحابی را که آن را از پیامبر ﷺ روایت کرده است ذکر نکند، بطور مثـال امـام مسـلم در صـحیح خـویش از سعید بن المسیب روایت نموده می گوید: سعید بن المسیب گفت: پیامبر ﷺ از بیع مزابنه (بیعی کـه در آن نوعی از ضرر باشد) منع فرموده است، سعید بن المسیب یکی از تابعین می‌باشد، او در اینجـا اسم صحابی را که این حدیث را ازپیامبر ﷺ روایت نموده ذکر نکرده است بنـا بـر ایـن، ایـن نـوع حدیث را حدیث مرسل می گویند.

ب – حدیث مسند:

عبارت از حدیثی اسـت کـه، تـابعی اسـم صـحابی را کـه آن را از پیـامبر ﷺ روایـت نمـوده اسـت ذکرکند، حدیث مسند بر سه قسم: متواتر، مشهور و خبر واحد تقسیم می‌شود:

حدیث متواتر:

۱ – معنای حدیث متواتر:

آن عبارت از حدیثی است که، راویان آن در قـرن اول، دوم وسـوم هجـری یعنـی: دوران صـحابه، تابعین وتبع تابعین به حدی زیاد باشندکه، از نقطه نظر عقل اتفاق آنها برکـذب ممتنـع باشـد، ماننـد روایت قرآن کریم، روایت سنت های عملی پیامبر ﷺ از قبیل ادای رکعات نماز، انجام شـعائرحج، مقدار زکات، کیفیت طهارت و غیره، و برخی ازحدیثهای قولی پیامبر ﷺ از قبیل حدیث: (**إِنَّ اللَّهَ**

قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لِوَارِثٍ). یعنی: خداوند ﷻ حق هرصاحب حق را عطاء نموده است، بنابر این وصیت برای وارث نیست.

وحدیث: (إِنَّ كَذِ باً عليَّ لَيسَ كَكَذِ بٍ علىَ أَ حَد، مَن كذَ بَ علّيَ مُتَعَمّداً فَلْيَتَبَوَّ أَمَقعَدَه مِن النّار).

یعنی: نسبت دادن سخن دروغ به من، مانند نسبت دادن دروغ به هیچ کسی دیگر نیست، هرکس سخن دروغی را به من نسبت بدهد، جایش را در دوزخ آماده نماید.

۲ - حکم حدیث متواتر:

از آنجایکه حدیث متواتر هم قطعی الورود از صحابه رضی الله عنهم و هم قطعی الثبوت ازپیامبر ﷺ می‌باشد، علم یقینی را افاده می کند، پس منکرآن کافر محسوب می شود.

حدیث مشهور:

در اینجا نخست معنای حدیث مشهور سپس حکم آن را بیان می کنیم.

معنای حدیث مشهور: آن عبارت است از حدیثی که تعداد راویان آن درقرن اول یعنی: دوران صحابه به حد تواتر نرسیده، ولی بعداً مشهور گردیده باشد، و در قرن های دوم وسوم گروه زیادی از مردم آن را روایت کرده باشندکه، از نظر عقل توافق آنها بر روایت خبر دروغین محال باشد.

حکم حدیث مشهور: چون حدیث مشهور قطعی الورود از صحابه است ولی قطعی الثبوت از پیامبر نیست، افاده گمان نزدیک به یقین را می‌دهد، پس منکر آن کافر نه، بلکه فاسق محسوب می‌شود.

حدیث آحاد:

۱ – معنای حدیث آحاد: آن عبارت است از حدیثی که تعداد راویان آن به حد تواتر نرسیده، و نیز بعداً مشهور نگردیده باشد.

۲ – حکم حدیث آحاد: حدیث آحاد در صورتی که مجرد از قراین باشد، افادۀ ظن یعنی: گمان غالب را می کند، پس عمل به موجب آن واجب میباشد.

روش تدریس: سؤال وجواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی ومباحثوی

درس سوم: شفاعت

صفحه: ۵

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف: شاگردان باید:

۱ – معنی ومفهوم شفاعت را بدانند.

۲ – به انواع واقسام شفاعت آشنایی حاصل نمایند.

۳ – آیا شفاعت بدون اجازۀ خداوندﷻ شده می‌تواند؟ بیان کرده بتواند.

دانش لازمی:

یکی از اصطلاحات عقیدۀ اسلامی‌اصطلاح شفاعت است که، احیاناً مفهوم نادرستی از آن میان عوام مطرح می‌شود. بناءً لازم است در این موردکمی‌روشنی انداخته شود.

تعریف شفاعت:

شفاعت در زبان عربی به معنای وساطت و میانجیگری است. و اثبات آن در آخرت از جملۀ مسلّمات عقیدۀ اسلامی‌و جزء ایمان است به روز رستاخیز محسوب می‌شود، البته شفاعت در دنیا هم وجود دارد، امّا منظور از آن فقط دعاء و مسئلت در پیشگاه پروردگار توسط یک شخص زنده برای برآورده شدن حاجت شخص دیگری است، از این سبب وقوع آن پس از مرگ شفاعت کننده امکان پذیرنیست و تنها در عالم آخرت واقع می‌شود.

اقسام شفاعت:

دانشمندان اسلامی‌شفاعت را به پنج دسته تقسیم نموده اند:

اول: شفاعت عظمی‌وآن مخصوص رسول اکرمﷺ می‌باشد. وآن همان امتیاز و ویژگی هست که در قرآن کریم وحدیث نبوی به عنوان مقام محمود از آن یاد گردیده است، طوریکه خداوندﷻ می‌فرماید: **(عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا)**. امید است که، پروردگارت تو را به مقام محمود (در خور ستایش) برانگیزد.

مراد از (مقام محمود) درین آیت شفاعت حضرت محمدﷺ در روز قیامت در پیشگاه پروردگارش می‌باشد، تا باری تعالی داوری را در میان خلائق منتظر و سرگردان میدان حشر آغاز

نماید وآنها را از رنج انتظار و هول آور آن روز سخت رها سازد الله تعالی نیز شفاعت ایشان را پذیرفته محاسبه و داوری را در میان خلایق آغاز می‌نماید.

و این نوع شفاعت تمام موجودات را در برمی‌گیرد، و خوف و وحشت توقفگاه رستاخیز را ازآنان برمی‌دارد و حساب وکتاب را به جلو می‌برد.

دوم: شفاعت برای برخی از مومنان تا بدون حساب وکتاب داخل بهشت شوند.

این نوع شفاعت نیز ویژهٔ پیامبر ﷺ است.

سوم: شفاعت عامه است که عبارت است از: شفاعت برای مومنان گنهکاری که مستحق دوزخ شده اند تا الله تعالی از تقصیر شان بگذرد و شایستهٔ ورود به بهشت شوند ویا از نگاه کیفیت عذاب و مدت آن در دوزخ برای ایشان تخفیف شود این نوع شفاعت مخصوص رسول اکرم ﷺ نبوده بلکه، علاوه برایشان سائر انبیاء علیهم السلام، اولیاء، صالحین، شهداء رحمهم الله وفرشتگان نیز اجازه دارند تا برای برخی از گنهکاران شفاعت کنند.

چهارم: شفاعت برای افزایش درجات برخی اهل بهشت

پنجم: شفاعت به خاطر اخراج برخی مؤمنان گنهکار از جهنم و آن زمانی است که به موجب قانون عدل الهی آنان در جهنم به کیفر و سزای گناهان شان رسیده و دوران محکومیت خود را گذرانده باشند.

پذیرش یا رد شفاعت، به حکمت و ارادهٔ پروردگار دانا بستگی دارد و در باب فضل یا دادگری او مورد ارزیابی قرار می گیرد.

شروط شفاعت:

باید خاطر نشان کرد که شفاعت در روز قیامت مشروط به سه شرط ذیل است:

۱ – اجازه و اذن خداوند ﷻ برای شفاعت کننده.

۲ – رضایت و موافقت پروردگار در مورد مشفوع له.

۳ – مسلمان و موحد بودن کسیکه برایش شفاعت می‌شود.

قرآن کریم با اشاره به شرط اول می‌فرماید:(**مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِه**) (بقره آیت ۲۵۵).

ترجمه: کیست که در نزد او جز به اجازهٔ او شفاعت کند؟.

و در مورد شرط دوم نیز میفرماید: (**وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَه**) السباء آیت ۲۳

«هیچ شفاعتی نزد او سودی ندارد جزبرای کسانی که اجازه داده است.»

ونیزمی‌فرماید: ﴿**وَلَا يَشْفَعُونَ إِلاّ لِمَنِ ارْتَضَى لَهُم**﴾.(انبیاء آیت ۲۸).

وآن (فرشتگان) شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خداوندﷻ (به شفاعت برای وی) راضی است).

در مورد شرط سوم: نصوص قرآن کریم وسنت نبوی دلا لت دارندکه الله تعالی تنها برای مومنان موحد اجازه شفاعت میدهد، اهل کفر و شرك از این شفاعت بهره مند نخواهند شد چنانچه خداوندﷻ درین مورد می‌فرماید:

﴿**فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ**﴾ (سوره مدثر آیت (۴۸).

ترجمه: شفاعت،شفاعت کننده گان به حال آنان سودی نمی‌بخشد.

هم چنان رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: هر پیامبری را دعای مستجاب بود، و هرکدام از ایشان در استفاده از دعای خویش عجله کردند، جز من که دعایم را برای امتم به روز رستاخیز نگاه داشتم و این دعاء إن شاء الله هر فردی از امت مرا که وفات نماید در حالیکه برای خداوندﷻ شریک قرار ندهد شامل می گردد. (صحیح مسلم صـ ۱۹۹)

ثبوت شفاعت درروزقیامت:

با مراجعه به نصوص شریعت درمی‌یابیم که، شفاعت عمومی‌در روز رستاخیز از آن پیامبرﷺ اسلام حضرت محمد ﷺ می‌باشد و در محدودهٔ شفاعت مأذون از طرف خداوندﷻ قرار دارد.

احادیث صحیح زیادی شفاعت را به اثبات رسانده است از جمله حدیثی که به روایت جابر رضی الله عنه به نقل از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود:

(شفاعتی لأهل الکبائرمن امتی).

ترجمه: شفاعتم برای مرتکبان گناهان کبیره از امتم می‌باشد. (رواه ترمذی وابوداود).

درس چهارم: مقام صحابۀ کرام

صفحه: ۷

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درس).

اهداف درس : شاگردان باید:

- مقام اصحاب کرام را بدانند.
- به ویژگی های صحابه آشنایی حاصل نمایند.
- دوستی باصحابه را درک کرده وآنرا به دیگران بیان کرده بتوانند.
- به مطالعه سیرۀ صحابه کرام علاقه مند شوند.

دانش لازمی

- تعریف صحابه

صحابه از صحبت به معنی همراهی نمودن بر محور اطاعت را گویند.

صحابی در اصطلاح: کسی را گویند که پیامبر رادیده و به او ایمان داشته و بر اسلام وفات یافته باشد.

- مقام اصحاب کرام

مقام ومنزلت اصحاب پیامبرﷺ و نیز عدالت و درستکار بودن آنان امر بدیهی و پذیرفته شده نزد اهل اسلام است. بناء لازم می‌دانیم که منزلت و مقام صحابه را از دید قرآن، احادیث نبوی و اقوال علماء بیان داریم.

مقام و منزلت صحابه از دید گاه قرآن:

الف- خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿ **لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا** ﴾ (سوره الفتح آیت ۱۸).

ترجمه: خداوندﷻ از مؤمنان هنگامیکه در زیر درخت با تو بیعت کردند- راضی و خوشنود شد خدا آنچه را در درون دلهایشان نهفته بود می‌دانست، از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود .

خداوندﷻ در ین آیت بیان نموده است که او تعالی از مؤمنانی که در زیردر خت با پیامبرﷺبیعت کردند راضی و خوشنود است، چون خداوندﷻ ایمان و صداقتی که در دلهایشان

نهفته بود را می‌دانست بنابر این آرامش را بر آنها فرود آورد، پس در اینجا خداوندﻷ به صداقت و راستی ایمان این قومی که زیر درخت با پیامبرﷺ بیعت کرده اند گواهی می‌دهد.

ب - ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (سوره الحدید آیت ۱۰).

یعنی: چه عذری برای شما ست که در راه خدا انفاق نمی‌کنید درحالی که میراث آسمانها وزمین همه ازآن اوست(وکسی چیزی را با خود نمی‌برد) کسانی که قبل از پیروزی فتح مکه انفاق کردند و جنگیدند (باکسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح مکه انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوندﻷ به هر دو وعدهٔ نیک داده و خدا با آنچه انجام میدهید آگاه است و پاداش آن را به شما خواهد داد.

ج- ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (سوره الحشر آیت ۹).

ترجمه: و کسانی که در این سرا (سرزمین مدینه) ودر سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند، هر مسلمانی را بسوی ایشان هجرت کند دوست دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند، وآنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند، وکسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارند.

د - ﴿ مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ سوره الفتح آیت ۲۹.

ترجمه: محمد فرستاده خداست، وکسانی با او هستند در برابر کفار سرسخت وشدید و در میان خود مهربان اند، پیوسته آنها را در حال رکوع وسجود می‌بینی در حالیکه همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند (تا آنان را به بهشت وارد نماید) نشانه (اطاعت) آنها (ازخداوندﻷ) در صورتشان در اثر سجده (وعبادت) نمایان است (مراد این است که اثر عبادت و صلاح و اخلاص برای خداوندﻷ متعال بر چهرهٔ مومن آشکار می‌شود) این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان

در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس بـر تقویـت آن پرداختـه تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدر نمو و رشد کرده است که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد؛ این برای آن اسـت کـه، کـافران را بـه خشـم آورد (یعنـی: حـق تعـالی مسـلمانان را بسـیار نیرومند می گرداند تا مایه خشم و غیظ کافران گردند ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده وکـار های شایسته انجام داده اند، خداوندﷻ وعدهٔ آمرزش و اجر عظیمی(که بهشت است) داده است.

با توجه به آیات فوق روشن شدکه صحابه و یاران پیامبر ﷺ مقام ومنزلت خاصی دارند.

مقام ومنزلت صحابه ازدید احادیث نبوی:

الف – عن ابی سعید الخدری قال: قال النبی ﷺ: لاتسُبّوا اصحابی فلوان احـدکم انفـق مثـل احـد ذهبا ما بلغ مد احدهم ولانصیفه (متفق علیه).

ترجمه: درحق اصحابم سخنان زشت و ناشایست نگوئید، اگریکی ازشما به اندازه کوه احـد طـلا خرج کند باز هم نمی‌تواند با یکی دو مشت انفاق صحابه و حتی نصف آن برابری کند.

ب – (عن عمر قال: قال رسول الله ﷺ: اکرموا اصحابی فانهم خیارکم ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم).

ترجمه: پیامبر ﷺفرمود: اصحابم را احترام نمائید؛ زیرا آنان بهترین شما اند سپس کسانیکه بعد از آنان هستند وکسانی که بعد از آنها اند. (رواه النسائی).

ج – عن عمران بن حصین قال: قال رسول الله ﷺ: (خیرامتی قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم) .

ترجمه: بهترین امت کسانی هستند که، در عصر من زندگی می کنند، سپس کسانی که از پی آنها می‌آیند (تابعین) سپس آنانیکه به دنبال آنها می‌آیند(تبع تابعین). متفق علیه.

د – عن جابرعن النبی ﷺ قال: (لاتمسُّ النارُ مسلماً رآنی اورآ من رآنی) .

ترجمه: آتش دوزخ نمی‌رسد کسی را مرا دیده باشـد ونـه کسـی راکـه یـاران مـرا دیـده باشـد.رواه الترمذی.

ه – (لا یدْخُلُ النَّارَ –إن شاءالله– من أصحاب الشَجَرَۀ أحدٌ الذین بایَعُوا تَحْتَها).

ترجمه: –اگرخدوند بخواهد– به دوزخ نمی‌رود هیچ یکی از اصحاب شجره که در زیر آن بیعت نمودند.

در س پنجم و ششم: یمین و اقسام آن

صفحه: ۹ و۱۱ .

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی ومفهوم سوگند را بدانند.
- به انواع واقسام سوگند آشنایی حاصل نمایند .
- هریک از حکم شرعی سوگند را بیان کرده بتوانند.
- معتقد شوندکه سوگند صرفا به نام خداوند ﷻ خورده میشود.

دانش لازمی

- تعریف یمین:

یمین کلمهٔ عربی است و جمع آن أیمان یا أیمَن بوده و در لغت به چندین معنی بکار برده شده است مثل: قوت، قسم، برکت، دست راست و جهت راست، ونقطهٔ مقابل آن یعنی جانب چپ.

یمین در اصطلاح عبارت است از: توکید یک حکم با ذکر شی معظم بطور مخصوص.

از تعریف فوق پیداست که یمین مخصوص به سوگند می‌باشد.

انواع و اقسام یمین:

۱- سوگند لغو.

۲- سوگند غموس.

۳- سوگند منعقده.

سوگند لغو و حکم آن:

سوگند لغو، سوگندی است که بدون قصد و نیت باشد؛ مانندکه کسی بگوید: به خدا باید بخورید یا بنوشید و غیره، که قصد سوگند ندارد.

این سوگند منعقد نمی‌شود و موجب باز خواست هم نمی‌گردد و کفاره ای هم ندارد.

خداوندﷻ متعال می‌فرماید:﴿**لایُؤَاخِذُکُمُ اللهُ بِاللَّغوِ فِی أیمَانِکُم، وَلَکِن یُؤَاخِذُکُم بِمَا کَسَبَت قُلُوبُکُم**﴾ (بقره: ۲۲۵)

ترجمه: خداوندﷻ شما رابه خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می‌کنید مؤاخذه نخواهد کرد ولی شما را در برابر آنچه دلهایتان کسب کرده (و از روی اراده و اختیار بوده) مؤاخذه می‌کند.

ونیز می‌فرماید:

﴿لاَيُؤَاخِذُكُمُ اللهُ بِاللَّغوِ فِي أيمَانِكُم، وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُمُ الأيمَان﴾ (مائده: ۸۹)

ترجمه: خداوندﷻ شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و بی‌اراده باز خواست نمی‌کند ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند».

از عایشه(رضی الله عنها) روایت است: آیهٔ ﴿لاَيُؤَاخِذُكُمُ اللهُ بِاللَّغوِ...﴾ درباره سوگندهایی مانند «نه والله» و «بلی والله» نازل شده است» بخاری

سوگند غموس (دروغ) و حکم آن:

سوگند غموس سوگند دروغ است که با آن حقوق برخی ها پایمال می‌شود، یا سوگندی است که با آن قصد فسق و خیانت کنند و به غموس (فروبرنده) نامگذاری شده چون باعث فرورفتن صاحبش در گناه و سپس در آتش می‌شود.

این سوگند از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کفاره‌ای ندارد، چون خداوندﷻ متعال می‌فرماید: (وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُمُ الأيمَان) . یعنی:ولی شما را در برابر سوگند هایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند.

این سوگند منعقد نمی‌شود؛ چون سوگند منعقده سوگندی است که امکان دادن کفاره در آن وجود داشته باشد. و در سوگند غموس وفا به سوگند اصلاً امکان ندارد و بر کار خود یاد نمی‌شود خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلاَ تَتَّخِذُوا أيمَانَكُم دَخَلاً بَينَكُم فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدتُم عَن سَبِيلِ اللهِ وَلَكُم عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ .(نحل: ۹۴)

یعنی: سوگندهایتان را در میان خود وسیله نیرنگ و فساد نسازید (و مردمان را به قسمهای دروغ گول نزنید و از راه راست بدر نکنید اگر سوگند و قسم یاد کنید و بدان وفا نکنید این امر) سبب می‌شود که گامهای ثابت، از جای بلغزد و به سبب جلوگیری از راه خدا دچار بلا و بدی شوید و در آخرت عذاب بزرگی داشته باشید.

طبری(رحمه الله) می‌نویسد:

معنی آیه ﴿وَلاَ تَتَّخِذُوا أيمَانَكُم دَخَلاً بَينَكُم﴾ این است که: سوگندهای خود را وسیلهٔ فریب و خیانت در وفای به پیمانهای خود با کسانی که پیمان بسته‌اید، قرار ندهید، تا آنان بدینوسیله به شما اطمینان کنند در حالی که شما در دل قصد خیانت دارید. الطبری ج۱۴/۱۶۶.

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (الکبائر: الإشراك بالله، و عقوق الوالـدین، و قتل النفس، والیمین الغموس).

ترجمه: گناهان کبیره عبارتند از: (شریک قرار دادن برای خدا،نافرمانی والدین،کشتن کسی (به ناحق) و سوگند غموس.

از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (خمس لیس لهن کفارة: الشرک بالله عزوجل، و قتل النفس بغیر حق، أو نهب مؤمن، أو الفرار من الزحف، أو یمین صابرة یقتطع بها مالا بغیر حق).

ترجمه: پنج گناه کفاره ندارد: شریک قرار دادن برای خداوندﷻ، کشتن کسی به ناحق، غارت کردن (مال) مؤمن، فرار از میدان جنگ و سوگند غموسی که با آن مالی به ناحق گرفته شود.

سوگند منعقده و حکم آن:

سوگند منعقده سوگندی است که شخص برای تأکید انجام یا ترک کاری (در حال یا آینده و نه بر گذشته) آن را با قصد یاد می‌کند، و بر آن مصمم است.

اگر به سوگندش وفا کرد گناهی بر او نیست، ولی اگر وفا نکرد، باید کفاره بدهد، به دلیل فرموده خداوند متعال:

﴿وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَت قُلُوبُكُم﴾ ((بقره: ۲۲۵)

ترجمه: ولی شما را در برابرآنچه دلهایتان کسب کرده (واز روی اراده و اختیار بوده) مؤاخذه می کند.

کفاره یمین:

کفاره سوگند یکی از امور ذیل است:

۱- سیرکردن ده مسکین از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواده خود می‌دهید.

۲- لباس پوشانیدن ده مسکین.

۳- آزاد کردن غلام.

اگر کسی نتواند یکی از این موارد را به جای آورد باید سه روز روزه بگیرد.

ولی اگر بتواند یکی از سه مورد فوق را انجام دهد، جایز نیست روزه را کفاره سوگندش قرار دهد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ لاَيُؤَاخِذُكُمْ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِی أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمْ الأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ﴾ (مائده: ۸۹)

«خداوند جَلَّ جَلالُهُ شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و بی‌اراده مؤاخذه نمی‌کند ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند، کفاره این گونه سوگندها عبارت است از: خوراک دادن به ده نفر مسکین، از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواد خود می دهید یا جامه دادن به ده نفر از مساکین و یا آزاد کردن برده‌ای، اما اگر کسی (هیچ یک از این سه کار را نتوانست و توانایی انجام آنها را) نیافت، سه روز روزه (بگیرد) این کفاره سوگندهایی است که می‌خورید.

درس هفتم: شرک

صفحه: ۱۳

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم و معنی شرک را بدانند.
- شرک چگونه یک عملی است؟ را بفهمند.
- مواردی که از اعمال شرک شمرده می‌شود بیان کرده بتوانند.
- ازعمل شرکی متنفرشوند.

دانش لازمی:

قبل از اینکه به بیان انواع و اقسام شرک برویم، در نخست لازم است معنی و مفهوم ، اضـرار آن را ونیز پیکار اسلام با شرک را بشناسیم، زیرا شناخت انواع و اقسام شرک وابسته بر شـناخت معنـی و مفهوم آن می‌باشد.

تعریف شرک:

شرک: شرک کلمه عربی بوده و نیز یکـی از اصـطلاحات قرآنـی اسـت کـه بیشـتر از آن در کـلام خداوندﷻ به کار برده شده است در لغت بـه معنـی سـهیم شـدن در چیـزی و یـا سـهیم گردانـدن چیزی را گویند و شریک را از آن جهت شریک می گویند که در چیزی با هم سهیم اند.

و شرک در اصطلاح: یعنی شریک قرار دادن چیزی یا کسی در ربوبیت خداوندﷻ یعنـی در ذات، افعال و صفات او، یا در الوهیـت خداونـدﷻ یعنـی در معبودیـت او، یـا در هـردوی آن اسـت ایـن موضوع در بحث توحید بیان می‌شودزیرا این مسئله یکی از لوازم توحیـد اسـت توحیـد یعنـی یکتـا دانستن خداوندﷻ در ربوبیت و الوهیت است، پس شرک درست در نقطه مقابل توحید قرار دارد.

پیکار اسلام با شرک:

اسلام به منظور نجات انسان از هر ذلتی در برابر هر موجـودی بجـز ذات الله، بـه مبـارزه بـر خواسـته ومی‌خواهد که عبادت و طاعت و خشوع تنها برای کسـی باشـد کـه دایمـی‌اسـت و تغیـر در او راه ندارد.

و از طرف دیگر اسلام به همان پیمانه ای که به توحید اهمیت قایل است، بـه همـان پیمانـه در برابـر شرک حساسیت نشان میدهد، و هر پندار و گفتار وکرداری که در آن شرک وجود داشـته باشـد و

یا احتمال شرک در آن متصور باشد و منتهی ومفضی به شرک شود قاطعانه برخورد مکیند، و مردود می‌شمارد و بر ضد آن مبارزه می کند، قرآن شرک را ظلم عظیم و گناه نا بخشودنی(درآخرت) خوانده می‌فر ماید:

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ - لقمان:(۱۳).

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء وَمَن يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا﴾ النساء آیت (۴۸).

ترجمه: مسلماً خداوندﷻ هرگز شرک نمی‌بخشد و پایین تر از آن را برای هر کی بخواهد ((و شایسته بداند)) می‌بخشد و آن کس که برای خدا شریکی قرار دهد گناه بزرگی مرتکب شده است.

اسلام برای حفظ عقیدهٔ ناب توحیدی و ا نحصار ربوبیت و الوهیت در ذات اقدس آفرید گار عالم و تخصیص عبادت و پرستش برای او وتنزیه او از شریک و نظیر. مثل و همتا، با هر گونه اوهام و خرافات اعلان جنگ داده او همه دروازه هایی را که از آن بوی شرک می‌آید، مسدود کرده است. بطور مثال رسول اکرمﷺ از مراجعه به کاهنان و غیب گویان و تصدیق اقوال آنان سخت منع کرده، می‌فرماید:

(مَن أَتَى كَاهِناً فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّد).

یعنی: هر کی نزد غیب گوی برود و آنچه را که او بگوید تصدیق و باور کند، در حقیقت بر آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است.

همچنان اسلام از غلو و افراط در تعظیم و احترام پیامبران، امامان و صالحان به شدت نهی می کند. چنانچه خداوندﷻ اهل کتاب ((یهود و نصاری)) را که در باره حضرت عزیر و حضرت عیسی دچار غلو شدند، مخاطب قرار داده می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لاَ تَغْلُواْ فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ ﴾. سوره المائدة(۷۷).

ترجمه: ای اهل کتاب در دین خود به نا حق غلو نکنید" علتی که در اسلام در این مورد تا این حد سخت گیری نشان داده این است که، بشریت اولین بار از همین طریق در گودال شرک و کفر سقوط کرده است. چنانچه رسول اکرمﷺ می‌فرماید:(إِيَّا كُم وَالغُلو فَإِنَّمَا أَهَلَكَ مَن كَانَ قَبلَكُم الغُلوَ) مسند الاحمدوسنن الترمذی-

ترجمه: از غلو و افراط و زیاده روی، اجتناب کنید؛ زیرا امت های پیش از شما را غلو در هلاکت انداخت"

همچنان، امام بخاری از حضرت عبدالله بن عباس ﷺ روایت می کند که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا بعثت حضرت نوح ﷺ مردم همه موحد بودند و اولین بار در زمان حضرت نوح ﷺ بود که شرک ظهور کرد، و علت آن این بود که در میان قوم نوح افراد صالحی به نام های ودَ، سُواع، یغوث و یعوق ونسر وجود داشتند که، از اعتبار و نفوذ معنوی زیادی برخوردار بودند و زمانی که ایشان وفات کردند، پیروانشان از فرط محبت و علاقمندی به آن ها تندیس ها و تمثال های ایشان را درست کرده بطور یادگار در مراکز و محافل خویش نصب نمودند، تا با دیدن تصویرهای ایشان یاد آنها در خاطره ها یشان زنده شود و شوق عبادت پروردگار در دل ها یشان بیشتر گردد. اما چند نسل بعد هدف اصلی فراموش گردید وبا تلبیس ابلیس، هر کدام از آن مردان صالح به خدای مستقل مبدل گشته همراه آفرید گار جهان به پرستش گرفته شدند۱

و هم چنان کنفویسوش، زرتشت، بودا، مهاویرا و اخیراً حضرت عیسی هیچ کدام ادعای الوهیت نداشتند و خود را از سطح یک معلم یا مرشد و یا پیامبر بالاتر نمی‌دانستند، بعد از مرگشان در اثر غلو و افراط پیروانشان آنها را به مقام الوهیت رساندند، از همین جهت اسلام این دروازه را برای همیشه مسدود نگه داشته همواره بر ضرورت تفریق میان مقام الوهیت و مقام عبودیت تأکید ورزید است. بطور مثال در کلمه شهادت که روزانه ده ها مرتبه از جمله در آذان ها و نمازها بطور مخفی و علنی تکرار می‌شود، پس از ذکر الوهیت پروردگار بلا فاصله بر عبودیت و بندگی رسول اکرم ﷺ تأکید می‌نماید. و خود آن حضرت ﷺ امر می کند که: (لاتُطرُونی کما أطرت النصاری إبن مریم إنما أنا عبدالله ورسوله).

ترجمه: در ستایش من زیاده روی نکنید، همچنان که نصارا در ستایش پسر مریم زیاده روی کردند من تنها بندهٔ خدا و فرستادهٔ اویم.

از آنجا که غلو و زیاده روی در تعظیم انبیاء و اولیا و صالحین، اکثرا بعد از مرگشان و بر سر قبرهایشان صورت می‌پیذیرد، دین اسلام به خاطر جلوگیری از این امر، نماز خواندن یا عبادت کردن بر سر قبر ها و به سوی آن ها را ممنوع قرار داده است. چنانچه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

(لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا).

ترجمه: نفرین خدا بر یهود و نصارا که قبور پیامبران شان را عبادتگاه ساختند.

همچنان پیامبر اکرمﷺ به منظور جلوگیری از تعظیم قبور صالحین از نشستن بر سر آن ها و از اعمار ساختمان بر فراز آن ها بطور مطلق نهی فرموده است.
علمای حنفی، از جمله امام محمود آلوسی، مولانا شبیر احمد عثمانی، علامه ظفر احمد عثمانی، با استناد به این حدیث، بر حرمت احداث تعمیر بر سر آن ها، حکم داده این عمل را وسیله وذریعه برای شرک دانسته اند.

اضرار شرک

شرک ضرر و زیان های زیادی دارد که برخی از آن ها از این قرار است:

۱- گناه نا بخشودنی است:

شرک گناه نابخشودنی است، چنانچه خداوندﷻ می‌فرماید:
﴿ **إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء** ﴾ النساء آیت (۴۸).
ترجمه: مسلماً خداوندﷻ هرگز شرک را نمی‌بخشد و پایین تر از آن را برای هر کی بخواهد.

۲- سبب نابودی عمل می گردد:

شرک سبب نابودی و محو اعمال می‌شود، و تمام کار های خوب انسان توسط شرک نابود میشود.
پس شرک با خداوندﷻ مانند زهر خوردن است که تمام زحمت های عمررا نابود می کند طوریکه خداوندﷻ می‌فرماید:
﴿ **وَلَوْ أَشْرَكُواْ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ**﴾ انعام آیت (۸۸).
ترجمه: هر گاه به خداوندﷻ شرک ورزند تمام اعمال آنان حبط و نابود می گردد.

۳- اضطراب وتشویش را به بارمی‌آورد:

این یک حقیقت است که انسان نمی‌تواند همه مردم را از خود راضی نگه دارد چون تعداد مردم زیاد اند و هر کدام توقعات خودرا دارند،انسان وقتی در برابر تقاضاهای گوناگون قرار می گیرد دچار اضطراب و تشویش می‌شود، زیرا رضایت هر فرد و گروهی باعث ناراضی شدن شخص و گروهی دیگر می‌شود اینجاست که، مسئاله توحید و شرک به میان می‌آید، انسان موحد تنها در فکر راضی ساختن خداوندﷻ است وی هیچ توجهی به این ندارد که، مردم و یا گروه ها چی می‌خواهند و در نتیجه از آرامش خاصی برخوردار می‌شود.
در ارتباط به مطلب فوق به دو آیت قرآن کریم توجه کنید:
﴿ **أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ** ﴾ یوسف (۳۹).

ترجمه: آیا انسان چند ارباب داشته باشد بهتر است یا تنها یک خدای واحدوقهار؟.
یعنی: انسان در فکر راضی کردن یک خدا باشد، آرامش دارد یا در فکر راضی کردن چندین خدا آن هم با سلیقه ها و طبعیت های گوناگون.
ب - (**ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاء مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا** .
ترجمه: خداوندﷻ مثلی زده است مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او همیشه با هم به مشاجره مشغول اند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است آیا این دو یکسانند؟.
این دو آیت فوق مطلب مارا بسیار خوب توضیح میدهند اکنون شما بگوید: اگر کسی تنها تسلیم یک نفر باشد در آرامش است یا کسی که تحت سرپرستی چند نفر شریک بد اخلاق باشد.

٤- تزلزل در شخصیت:

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ **وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاء فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ**﴾ حج آیت (۳۱).
ترجمه: کسی که به خداوندﷻ شرک بورزد، مانند آن است که از آسمان پرتاب شود، و مورد هجوم پرندگان قرار گیرد و طعمهٔ آنها شود و یا توسط بادی تند در جای دور افگنده شود.

٥-اختلاف و تفرقه در جامعه:

در جامعه توحیدی، فقط یک حکم و قانون وجود دراد، آن هم حکم و قانون خداوندﷻ می‌باشد اما در جامعه شرکی، به جای یک قانون، مقررات و راه های متفاوتی به وجود می‌آید و هر کسی در فکر و تأیید همان راه و چیزی است که، به وجود آورده طوریکه قرآن می‌فرماید: ﴿**إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا** ﴾. احزاب (٦٧).
ترجمه: ما رؤسا و بزرگان خویش را اطاعت کردیم" و مردم در فکر برتری جویی بر یکدیگر هستند و هرحزب و گروهی فقط به آنچه نزد خود شان است دل خوش می کنند و کاری به حق و باطل ندارند، تنها به مفکوره و راه خود اصالت قایل هستند و برای مخالفان خود هر چند حق به جانب هم باشند ارزشی قایل نیستند طوریکه قرآن می‌فرماید: (**كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ**) الروم آیت (۳۲).
ترجمه: هر گروهی به آنچه نزد آنهاست دل خوش کردند.
درگیری ها و تفرقه های اجتماعی از آثار شرک است طوریکه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿**وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱) مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا** ﴾ الروم آیت **۳۲**.

۶-سبب تذلیل واهانت انسان میگردد:

شریک گرفتن به الله تعالی در حقیقت توهین کرامت انسانی وتذلیل حیثیت او محسوب میگردد؛ زیرا الله تعالی همراه باعلمی که به انسان داده تمام موجودات زمین وآسمان را برای انسان مسخر گردانیده است؛ ولی انسان با وجود این فضیلت و امتیاز قدر خود را نشاخته وعناصر واجزای این کائنات را (که الله تعالی برایش مسخر گردانیده) برای خود اله ومعبودان گرفته وبه آن تضرع وبنده گی می‌نماید وبدین ترتیب حیثیت خود را پائین می‌آورد الله تعالی در این مورد میفرماید: ﴿**وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ**﴾ فصلت: ۲۷.

ترجمه: از دلائل قدرت او (الله) شب و روز وآفتاب ومهتاب است سجده نکنید افتاب و مهتاب را و سجده کنید الله را که آفرید این چیزها را اگر هستید که خاص او را عبادت میکنید.

۷-آشیانۀ خرافات است:

شرک ظلم بزرگ است: خداوندﷻ شرک را ظلم بزرگ خوانده است ومیفرماید: ﴿**إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**﴾ سورۀ لقمان. مشرک برخلاف حقیقت یک چیز را به خدایی گرفته وکسی دیگر جز الله تعالی را رب خود می گوید پس این ظلم است که در مقابل خداوندﷻ نموده است زیرا خود را بنده مخلوقی مثل خود گردانیده در حالیکه الله تعالی او را از او حُرّ (آزاد) خلق نموده است؛ وهمچنان این عمل وی بر دیگران نیز ظلم است؛ زیرا به او آنچه را قائل شده که حق او نیست.

۸-مصدر خوف وبی اطمینانی است:

چون کار درست را اختیار نکرده است. عقل وی هم اطمینان کامل پیدا نمی کند؛ پس از جوانب مختلف در هراس و او هام می‌باشد وخداوندﷻ این مطلب را چنین بیان میکند: ﴿**سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا**﴾ آل عمران: ۱۰۱

ترجمه: اکنون می‌افگنیم در دلهای کافران هیبت را به آن سبب که شریک قرار دادند با الله چیزی را که فرود نیاورده الله به آن هیچ دلیل.

۹-سبب تأخیر کارهای مفید میگردد:

شرک بنا بر عقیده یی که الهه و معبودان در مورد جرائم وی نزد الله شفاعت او را خواهند کرد به اتکا وتوکل برمشفعین مرتکب انواع گناه وجرایم میگردند خداوندﷻ در ین مورد میفرماید: ﴿**وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ**﴾ یونس: ۱۸

ترجمه: و می‌پرستند این مشرکان به جز الله چیزی را که ضرر نکند ایشانرا و سود نرساند ایشانرا میگویند (مشرکان) این ها شفیعان ما اند نزد الله.

برخی از اعمال شرک:

١. هرگونه عبادت مالی وبدنی که برای شخصی منحیث عقیده صورت گیرد.

٢. نسبت دادن هرگونه علم غیب به شخصی.

٣. هر ذبحی که به غیر نام الله صورت گیرد.

٤. هر نذریکه برای غرض نزدیکی به غیر از خداوند ﷻباشد.

٥. سوگند یاد کردن به غیر الله در حال داشتن اعتقاد و احترام.

٦. استفاده از گره ها(بندک) مُهره ها و امثال آن به امید شفاء.

٧-عمل سحر،کهانت و جادو و فال حرام از جمله شرکیات محسوب می‌شود و کسانی که به آن اعتقاد و باور دارند مشرک هستند زیرا در سحر علاوه از خداوندﷻ از جنیات وشیاطین استعانت خواسته می‌شود.

درس: هشتم: انواع شرک

صفحه: ۱۵

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی)

اهداف درس: شاگردان باید:

- انواع شرک را درست بفهمند.
- تعریف هر یک از اقسام شرک را بدانند.
- شرک خفی را بیان کرده بتوانند.
- بدانندکه شرک ظلم بزرگ است.

دانش لازمی

شرک اصغر

شرک اکبر

عبادت به غیر الله، شریک ساختن غیر در ربوبیت و الوهیت و یا برابر کردن غیر الله با الله تعالی را شرک اکبر گویند.

وآن عبارت از گناهی است که اگر انسان بر آن بدون توبه بمیرد به هیچ صورت بخشیده نمی‌شود، چنانچه الله تعالی میفرماید:

﴿إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء﴾ نسأ: ۱۱۶

ترجمه: هر آئینه الله نمی‌بخشد کسی را که شرک آورد بروی و میامزد سوی شرک کسی راکه بخواهد (که برایش مغفرت نماید) هم چنان در رابطه با شرک اکبر الله تعالی می‌فرماید.

(**مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّار**).

درس نهم: ریاء

صفحه: ۱۷

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی ومفهوم ریا رابدانند.
- ازحکم شرعی ریا معلومات بدست بیاورند.
- ریا چه زیان واضرارتربیتی دارد؟ بیان کرده بتوانند.
- باورکنند که ریاشرک اصغراست.
- از تمام انواع شرک خود داری کنند.

دانش لازمی

- معنی ومفهوم ریاء:

ریا در اصل از کلمه «رؤیت» گرفته شده است و به معنای تظاهر کردن به نیکی، دورویی و نفاق و انجام کار برای نشان دادن به دیگران آمده است.

در اصطلاح عبارت است از آنکه انسانی بخواهد با ارائه کارهای نیک مقام و منزلتی در دل مردم پیدا کند. یعنی فرد در حضور مردم برای کارهای نیک شاد و شتابان بوده و در تنهایی بی حال و کسل باشد، چنانچه از او تعریف کنند سعی و تلاش کرده و اگر از او بد بگویند کم کاری می‌نماید معلوم می‌شود این شخص ریاکار است.

خداوند متعال ویژگی های ریاکاران منافق را این چنین بیان می کند:

﴿**إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُواْ إِلَى الصَّلاَةِ قَامُواْ كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلاَ يَذْكُرُونَ اللّهَ إِلاَّ قَلِيلاً**﴾ نساء: ۱۴۲ .

ترجمه: منافقان با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز می‌ایستند با کسالت بر می‌خیزند و با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

ریا کاری جزء صفات منافقان است و انسان مسلمان تا جایکه ممکن است باید از آن دوری نماید و قلب و نیت درونی اش را پیوسته برای خداوند ﷻ پاک و خالص نگه دارد، پیامبراسلام ﷺ فرموده است:

(إِنَّ اللهَ لاَ يَنظُرُ إلى أجسَادِكُم وَ لاَ إلى صُوَرِكُم، وَ لَكِن ينظر إلى قُلُوبِكُم (مسلم).

ترجمه:همانا خداوندﷻ به تن ها و پیکره های شما نمی‌نگرد، بلکه به دلها و اعمال شما می‌نگرد.

ریاکاری شرک اصغر است:

مسلمان ریا نمی‌ورزد زیرا که ریا شریک قرار دادن با خداوندﷻ است. پیامبرﷺ می‌فرماید:

(إنَّ أَخْوَفَ ما أتخوَّف على أمتي الإشراك بالله، أما إني لستُ أقول: يعبدون شمسًا و لا قمرًا و لا وَثَنًا، ولكن أعمالا لغير الله و شهوة خفية). ابن ماجه]

ترجمه: بیشترین ترس و نگرانی من برای امتم تنها شرک به خداست، منظور من این نیست که: آن ها خورشید یا ماه و یا بت خواهند پرستند، بلکه کارهایی بخاطر غیر خدا و شهوت و تمایل پنهانی می کنند .

و نیز فرموده است : (**إنَّ أخوف ما أخاف عليكم الشرك الأصغر، قالوا**: و **ما الشرك الأصغر يا رسول الله؟ قال** ﷺ: **الرياء، يقول الله – عز وجل– يوم القيامة –إذا جوى الناس بأعمالهم– اذهبوا إلى الذين كنتم تراءون في الدنيا؛ فانظروا هل تجدون عندهم جزاًء؟**) احمد].

ترجمه:بیشترین ترس من درباره ی شما شرک کوچکتر است، گفتند: یا رسول الله، شرک کوچکتر چیست؟ آن حضرت ﷺفرمود: ریاء، خداوندﷻ عزوجل در روز قیامت و هنگام جزا و پاداش اعمال مردم می‌فرماید: بروید نزد آنان که در دنیا برای آنان ریا می‌ورزیدید؛ ببینید آیا پاداشتان را نزد آنان می‌یابید؟.

به این ترتیب فرد ریاکار پاداشی در برابر کاری که می کند دریافت نمی‌نماید؛ چون هدف او از آن عمل کسب خوشنودی مردم و مدح و ستایش آنان و دست یافتن به منزلت در بین دیگران بوده است و چیزی در قیامت به عنوان پاداش نخواهد داشت.

جای ریاکار در آتش است : رسول خداﷺ در یکی از جنگها به یاران خویش خبر داد که فلان کس داخل آتش (جهنم) خواهد شد، فرد مذکور هم همراه مسلمانان در نبرد شرکت داشت. به کارهای آن مرد نگاه کرده و او را درنظر گرفتند تا ببینند قضیه ی او چیست؟ اما مشاهده کردند به سختی در حال نبرد می‌باشد. صحابه تعجبشان افزون شد ولی کمی‌بعد چیز عجیبی رخ داد. مرد جنگجو دچار جراحتی شد و شمشیرش را برداشته و با آن به خود ضربتی وارد ساخت. آنگاه صحابه به او گفتند: وای بر تو! آیا خودت را به قتل می‌رسانی؟ مرد پاسخ داد: من برا ی آن می‌جنگیدم تا دیگران بی پروایی مرا دیده و به شجاعت من پی ببرند. آن مرد فوت کرده و سخن رسول خدا ﷺ درباره اش صدق کرد. همچنین پیامبرﷺ ما را باخبر ساخته است که ریاکاران

اولین گروه عذاب شوندگان در روز قیامت می‌باشند. سه گروه نخست وارد شوندگان به آتش جهنم اینان هستند: عالم، قاری قرآن و شهید! ریاکار، چون در اعمالشان آن را خالص و پاک برای خداوند ﷻ نه نموده و از آن کارها خوشنودی خدا را منظور نداشتند.

ریا عبادت ها را باطل می کند

وقتی انسان عبادتی را بدون اخلاص به جای می‌آورد، درمقابل آن هیچ گونه اجر و پاداشی را دریافت ننموده و درعوض مرتکب گناه و مستحق کیفر می گردند؛ چرا که آن را خالص و پاک برای پروردگار جهانیان نگردانیده است.

فرمودۀ خداوند ﷻ است که: (**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (٤) الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (٥) الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ (٦) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (٧)**.

ترجمه: وای برنمازگزاران، آنان که از نمازشان غافلند. آنان که ریا می کنند. و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می ورزند.

کسانی که صدقه و خیرات می‌دهند و بخاطر کارهایشان منت نهاده و آن را خالص برای خداوند ﷻ انجام نمی‌دهند، درعوض صدقات خویش اجری از جانب خدا دریافت ننموده و مانند زمین سفت و سختی می‌شود که در آن هیچ کشتی و کاری به عمل نمی‌آید، که در قرآن در وصف ریاکار آمده است:

﴿**فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لاَّ يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُواْ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ**﴾ (بقرة: ۲۶۴]

ترجمه: پس مَثَل او همچون مَثَل سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی (نشسته) است، و رگباری به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان (یعنی: ریاکاران) نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند.

خداوند ﷻ عزوجل عبادت ریاکاران را برایشان بیهوده و بی فایده دانسته و می‌فرماید :

﴿**وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاء مَّنثُورًا**﴾. (فرقان: ۲۳] .

ترجمه: و به هر گونه کاری که کرده اند می پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می سازیم.

درس دهم ویازدهم: احکام شرعی

صفحه: ۱۹ و۲۱

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

– تعریف و حکم شرع را بفهمند.

– انواع واقسام شریعت را بدانند.

– هریک از اوامر ونواهی را تعریف کرده بتوانند.

– حرام چیست؟ وحلال چیست ؟ هریک را با بیان مثال از قرآن وحدیث بتوانند توضیح دهند.

– برای فهم وفراگیری احکام شرعی علاقه مند شوند.

دانش لازمی:

تعریف حکم:

حکم ازدیدگاه علمای اصول فقه عبارت است از: خطاب خداوندﷻ که به طریق اقتضاء یاتخییریا وضع،به اعمال مکلفین تعلق پیدا می کند.

منظوراز خطاب خداوندﷻ کلام مستقیم اویعنی قرآن وکلام بالواسطه ی اویعنی سنت،اجماع وسایرادله ای است که خدای متعال برای شناخت احکام خود قرارداده است.

منظور از اقتضاء طلب ودرخواست است، خواه طلب انجام فعل باشد یاطلب ترک آن، وخواه این دونوع طلب الزامی‌واجباری وخواه برسبیل ترجیح.

مراد ازتخییر،مساوی بودن انجام وترک فعل برای مکلف بدون ترجیح یکی ازآنها بردیگری ومباح ساختن هردوی آنها برای مکلف میباشد.

منظورازوضع قراردادن یک چیز به عنوان سبب یاشرط ویامانع برای چیزی دیگراست.

انواع حکم شرعی

علمای اصول حکم رابه دودسته تقسیم می کنند:

۱ – حکم تکلیفی یعنی: حکمی که یا مقتضی طلب انجام فعل یا مقتضی دست برداشتن ازآن ویا مقتضی تخییربین انجام وترک فعل را داشته باشد.

۲ – حکم وضعی
یعنی حکمی که مقتضی قراردادن یک چیزبه عنوان سبب یاشرط یامانع برای یک چیز دیگر باشد.
انواع حکم تکلیفی
بیشترعلمای اصول فقه حکم تکلیفی را به پنج نوع تقسیم می‌کنند که عبارتند از:
۱ – واجب ویا ایجاب.
۲ – مندوب ویا ندب.
۳ – حرام ویا تحریم.
۴ – مکروه ویا کراهت.
۵ – مباح ویا اباحت.

تعریف وا جب

واجب در اصطلاح شرعی، عملی است که شارع انجام آن را به صورت الزامی‌طلب کرده باشد به نحویکه تارک آن مورد سرزنش قرارگیرد و این سرزنش هم همراه با عقاب و مجازات باشد و فاعل آن مورد ستایش وتمجید قرار می‌گیرد واین ستایش ومدح همراه با ثواب است.
جمهور علما فرض را واجب میگویند ولی احناف از جهت دلیلی که لزوم انجام فعل با آن ثابت شده است، میان آن دو فرق می‌کنند.

تعریف مندوب (مستحب)

ندب به معنی دعوت و فرا خواندن به کار مهم است و مندوب به معنی چیزی است که فرد به آن فرا خوانده شده است.
اما در اصطلاح چیزی است که شارع انجام آن را به صورت غیر الزامی‌طلب کرده است، به نحویکه فاعل آن مورد مدح قرار گرفته، ثواب می‌برد اما تارک آن مورد ذم وعقاب قرار نمی‌گیرد، گاهاً بخاطر ترک برخی از انواع مندوبات مورد سرزنش قرارمی‌گیرد.

تعریف حرام

حرام آن است که شارع به صورت الزامی‌و حتمی‌از مکلف خواسته است که از آن خودداری کرده دست بردارد و درنتیجه، تارک آن مأجور و مطیع بوده، انجام دهنده آن گناهکار و عاصی محسوب میگردد، خواه دلیل تحریم آن قطعی بوده و شبهه ای درآن وجود نداشته باشد، مانند حرمت زنا و خواه این که دلیل آن ظنی باشد مانند اموریکه با سنت آحاد تحریم شده است.

تعریف مکروه

مکروه آن است که ترکش اولی و بهتر از انجام دادن آن است، یا آنچه که شارع ترک آن را به صورت غیر حتمیو غیر الزامیاز مکلف طلب کرده است.

حکم مکروه آن است که فاعل آن گنا هکار نمی‌شود، اما مورد ملامت قرار می گیرد و تارک آن اگر آن را به هدف رضای خدا ترک کرده باشد، مورد مدح قرارگرفته، ثواب می‌برد.

انواع مکروه از دید احناف

احناف مکروه را دو نوع می‌دانند:

۱ – مکروه تحریمی: آن است که، بر اساس یک دلیل ظنی ونه قطعی، شارع به صورت حتمیخودداری ازآن را از مکلف طلب کرده است مانند: خواستگاری برخواستگاری شخص دیگر و بیع بر بیع دیگری، زیرا نهی از این دو مورد با خبرآحاد ثابت شده که دلیل ظنی است.

ودر نزد احناف این نوع از مکروه در مقابل واجب قرار دارد وحکم آن همان حکم حرام در نزد جمهور است، یعنی فاعل آن مستحق عقاب و مجازات است، گرچه به خاطرظنی بودن دلیل آن، منکرش کافر نمی‌شود.

۲ – مکروه تنزیهی: آن است که شارع به صورت غیر الزامیترک آن را از مکلف طلب کرده است، مانند خوردن گوشت اسپ بخاطر نیاز به آن در جنگ. و وضوگرفتن از مابقی آبی که پرندگان شکاری نوشیده اند. حکم این نوع مکروه، آن است که فاعلش مورد ذم وعقاب قرار نمی گیرد، گرچه انجام آن خلاف اولی است.

مباح: آن است که شارع، مکلف را بین انجام یا تر آن مخیرکرده است و برای انجام دادن یا ترک کردن آن مدح و ذمیوجود ندارد و به آن حلال گفته می‌شود.

درس دوازدهم و سیزدهم: فرضها و موجبات غسل

صفحه: ۲۳ – ۲۵

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- تعریف و اقسام غسل را بفهمند.
- فرایض و سننت های غسل را بدانند.
- مواردیکه غسل بر شخص فرض می‌گردد آن را بیان کرده بتوانند.
- هفت مورد را که انجام دادن غسل در آن مستحب است ذکر نمایند.
- به فرضیت غسل عقیده کنند.

دانش لازمی:

تعریف غسل: غسل (به فتح غین) در لغت به معنی مطلق شستن است. و به کسر (غین) به معنی چیزیکه توسط آن شسته می‌شود مانند صابون، سرکه وغیره...

غسل (به ضم غین) عبارت است از شستن تمام بدن و مالیدن آن با استفاده از آب پاک کننده به طریق مخصوص.

مشروعیت غسل:

مشروعیت غسل از چندین آیات قرآن ثابت است طوریکه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿**وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُواْ**﴾.المائده آیت ۶.

ترجمه: واگر جنب باشید، خود را پاکیزه یعنی غسل) کنید.

ونیز می‌فرماید:﴿**وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُواْ النِّسَاء فِي الْمَحِيضِ وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**﴾. بقره آیت (۲۲۲)

ترجمه: وسوال می‌کنند ترا از حیض، بگو که وی نجاست است،پس یکسو شوید از زنان در حال حیض، و نزدیکی مکنید با آنان تا آن که پاک شوند، چون خوب پاک شدند، پس نزدیکی کنید با آنان از راهیکه مباح کرده است خداوند ﷻ شما را به آن، هر آینه خداوند ﷻ دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاک شوندگان را.

ونیز مشروعیت غسل از حدیث پیامبرﷺ ثابت است طوریکه در حدیثی پیامبرﷺ می‌فرماید: عن أُمٍّ سلمةؓ: (أنَّ أمَّ سُلَيم قَالَت: يَا رَسولَ الله إنَّ اللهَ لاَيَستَحی مِنَ الحَقِّ، فَهَل عَلَى المَرأة غُسل اذاإحتَلَمَت؟ قَالَ: نَعَم، إذا رَأت الماء) رواه الشيخان و غيرهما.

ترجمه: از ام سلمه روایت است که ام سُلیم فرمود: ای رسول خدا، خداوندﻷ از بیان حق حیا بر نمی‌دارد، آیا در صورت احتلام، غسل برزن واجب می‌شود؟ پیامبرﷺ فرمود: بلی هر گاه آبی را ببیند).

موجبات غسل

در پنج مورد غسل فرض می گردد:

الف- بیرون شدن منی به طور شهوت در حالت خواب و بیداری چه مرد باشد و چه زن و این دیدگاه تمام جمهور فقهاء می‌باشد. و این مسأله از حدیث قبلی که به روایت أمّ سلمه بیان شد، ثابت گردیده است.

ب: التقاء ختانین – یعنی: پنهان شدن حشفه در فرج یا دبر بدون اینکه انزال صورت بگیرد.

ج: انقطاع حیض و نفاس: بعد از پاک شدن زن،از عادت ماهیانه یعنی: حیض و نفاس چنانچه خداوندﻷ می‌فرماید: **(وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىَ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّه).**

ترجمه: نزدیکی مکنید با آنان تا اینکه پاک شوند؛ چون خوب پاک شدند پس نزدیکی کنید با آنان از راهیکه مباح کرده است خداوندﻷ شما را به آن.

د: فوت: هر گاه مسلمان وفات نمود واجب است که، غسل داده شود.

ه: کافر هرگاه مسلمان شودغسل داده میشود.

آنچه که، بالای جنب حرام است

۱- نماز – خواندن نماز برای جنب در حالت جنابت حرام است.

۲- طواف کردن.

۳- مس نمودن مصحف و برداشتن آن.

۴- خواندن قرآن کریم.

۵- در نگک کردن در مسجد.

اسباب جنابت

عوامل جنابت را می‌توان در دو مورد ذیل بیان نمود:

۱- بیرون آمدن منی از مرد یا زن به ظاهر بدن، به شرطی که از مقر خود به شهوت و لذت جدا شود. کم باشد یا زیاد، در خواب یا بیداری، بافعل حلال باشد یا حرام، منی بیرون آید یا نیاید.

۲- جماع (آمیزش) و حد اقل آن عبارت است از داخل شدن سر عضو تناسلی در فرج زن یا مقعد زن یا مرد.

غسل های سنت

در پنج مورد غسل نمودن سنت است.

۱- غسل روز جمعه و برای نماز آن روز.

۲- نماز عید فطر.

۳- نماز عید قربان.

۴- هنگام احرام بستن.

۵- برای حاجی در روز عرفه بعد از زوال خورشید.

غسل های مستحب

غسل در موارد زیر مستحب است:

۱- شب نیمه ماه شعبان.

۲- شب قدر.

۳- جهت ادای نماز کسوف (آفتاب گرفتگی)

۴- برای نماز خسوف (ماه گرفتگی)

۵- برای نماز استسقاء.

۶- به هنگام ترس و وحشت.

۷- به هنگام تاریکی.

۸. زمان وزش باد شدید و طوفانی.

۹- قبل از پوشیدن لباس جدید.

۱۰- برای توبه از گناهان.

۱۱- بعد از بازگشت به سفر.

۱۲- هنگام ورود به مدینه.

۱۳- زمان ورود به مکه مکرمه.

۱۴- هنگام وقوف در مزدلفه به هنگام صبح گاه روز عید قربان. یوم النحر

۱۵- طواف زیارت.

۱۶- بعد از غسل دادن میت.

۱۷- پس از حجامت.

۱۸- برای کسی که از دیوانگی خویش به هوش آمده باشد.

۱۹- پس از پذیرفتن دین مبین اسلام.

اقسام غسل

غسل بر سه قسم است:

۱- غسل فرض (۲) غسل سنت (۳) غسل مستحب.

فرایض غسل: فرایض غسل سه چیزاست:

۱- مضمضه.

۲- استنشاق.

۳- رساندن آب به تمام بدن به نحوی که در بدن هیچ جای خشکی باقی نماند.

سنت های غسل

امور زیر به عنوان سنت های غسل مطرح هستند که شایسته است مراعات گردند تا غسل به کاملترین وجه آن انجام بگیرد:

۱- قبل از شروع (بسم الله الرحمن الرحیم) گفتن.

۲- نیت کردن جهت حاصل نمودن پاکی و طهارت.

۳- شستن دست ها تا بند قبل از پرداختن به بقیه اعضای بدن.

۴- شستن و از بین بردن نجاست و پلیدی از بدن اگر معلوم و ظاهر بود.

۵- وضو گرفتن قبل از غسل، و اگر در مکانی غسل می‌گرفت که در آن آب جمع می‌شود، پاها را بعد از غسل بشوید.

۶- سه بار رساندن آب بر تمام بدن.

۷- اول شستن سر وسپس سمت راست و بعد طرف چپ.

۸- مالش دادن بدن.

۹- پیا پی شستن بدن به گونه ای که عضو اول قبل از شستن عضو بعد، خشک نگردد.

درس چهاردهم: روزه

صفحه: ۲۷

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- تعریف روزه را بدانند.
- بفهمند که روزه یکی از ارکان اساسی اسلام است.
- فوائد و حکمت های روزه را به دیگران توضیح داده بتواند.
- به روزه داشتن علاقه مند شوند.

دانش لازمی

- **تعریف لغوی روزه:** صوم در لغت به معنی خود داری وپرهیز است.

ودر قرآن آمده:﴿إِنِّي نَذَرتُ لِلرَّحمَنِ صَوما فَلَن أُكَلِّمَ ٱليَومَ إِنسِيّا﴾.

ترجمه: من برای خداوندﷻ رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام،بنا براین امروز با هیچ انسانی سخن نمی گویم.

- استقبال از ماه مبارک رمضان:

مسلمانان صدر اسلام صحابه کرام و تابعین به ماه رمضان اهتمام ویژه‌ای قائل بودند، از خداوندﷻ می‌خواستند که آن‌ها را تا ماه رمضان زنده نگه دارد تا اینکه بتوانند این ماه پر فیض را روزه بگیرند، و با قدوم رمضان خوشحال می‌شدند، روزهای آن را روزه و شب‌هایش را با نماز شب و تلاوت قرآن زنده نگه می‌داشتند، و در این ماه با انجام انواع طاعات نفس خود را تزکیه و پاک می نمودند، قبل از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بی صبرانه در انتظارآن می‌بودند طوریکه در حدیث طویلیکه حضرت سلمان فارسی روایت میکند، حضرت سلمان میگوید: پیامبر اسلام ﷺ در آخرین روز شعبان برایمان خطبه ارائه فرمودند و در آن ما را به فرا رسیدن ماه رمضان متوجه ساختند،در آن حدیث که در مشکات و دیگر کتب حدیث آمده آن حضرت ﷺ فرمودند:(قد اظلکم شهر عظیم...) هر چند علمای جرح وتعدیل ملاحظاتی دربارهٔ این حدیث دارند ولی در کل این حدیث در باب فضائل قابل عمل است.

روزه یکی از ارکان اسلام

در حدیثی ازپیامبر اسلام ﷺوارد شده است که میفرمایند: (**بُنِي الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ**)

ترجمه: دین اسلام بر پنج پایه استوار قرار داده شده، شهادت دادن براینکه بجز الله تعالی هیچ کسی لایق عبادت نیست و محمد بنده و رسول وی است، بر پا داشتن نماز، ادا کردن زکات، حج بیت الله و روزه داشتن ماه رمضان است.

فوائد و حکمتهای روزه: شارع حکیم هر عبادتی را که مشروع کرده است و هر آنچه را آفریده است از فائده و منفعت برای انسان خالی نیست، چنانچه میفرماید:(**هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا**)

ترجمه: خداوندﷻ ذاتی است که برای شما آفریده است هرآنچه درزمین است .

پس هر شخص مسلمان و مکلف علاوه بر اینکه در تعمیل اعمال شرعی و انجام تکالیف اسلامی‌خود، اطاعت و فرمان برداری خداوندﷻ را تمثیل میکند، فوائد و منافع زیادی را در قسمت انجام تکالیف شرعی اش نیز بدست می‌آورد.

روزه هم به عنوان یک عبادت بزرگ فوائد زیادی را در خود گنجانده هست که درین جا به برخی آنها اشاره خواهیم کرد:

۱- روزه مظهر شکر گزاری نعمت های الهی:

بدین گونه که انسام مؤمن وقتی در ماه رمضان از مفطرات سه گانه (خوردن، آشامیدن، همبستری) خود داری میکند از یک طرف قدر نعمت های الهی برایش هویدا میشود وازسوی دیگر معیار سپاس گزاری ازین نعمتها در روح وروان و وجودش آفزایش ملموس می‌یابد ومسلم است که شکرنعمت درافزایش وزیادت نوازشهای الهی تأثیر گزار است چنانکه میگویند: شکرنعمت، نعمتت افزون کند* کفرنعمت از کفت بیرون کند، وخداوندﷻ هم درخلال آیات احکام صوم میفرماید: (**وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**) یعنی: تا شما سپاس گزاری کنید.

۲- روزه وسیله ای برای افزایش معیار تقوی در انسان:

وقتی در ماه رمضان انسان مسلمان بخاطر جلب رضایت خداوندﷻ از حلال خود داری میکند، پس در حقیقت این نوع از تمرین است برای اینکه چگونه در اطاعت پروردگارش از حرام

وکارهای خلاف شرع بپرهیزد؟ خداوندﷻ میفرماید: (**لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ**) یعنی: روزه بدارید تا پرهیزگار شوید.

۳- روزه سنگر مهم مقاومت در برابر خواهشات نفسانی

وقتیکه رزوه دار با گرسنه نگاه کردن خود، جسمش را لاغر میسازد در واقع قوۀ معنوی و روحانی خود را در مقابل قوۀ حیوانی و شهوانی خود تقویت میکند و همین که قوۀ شهوانی تضعیف میشود انواع جرایم بخصوص جرایم جنسی درجامعه بشری کاهش می‌یابد.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ دراین خصوص فرمود: (**الصَّوْمُ جُنَّةٌ**) روزه سپر است.

٤- روزه و بیداری احساس و همدردی به فقراء

وقتی انسان روزه دار خود اش گرسنگی را احساس میکند وبه شدت وفشار طاقت فرسای آن مواجه میشود، دیگر نمی‌تواند در برابر افراد مستضعف و بینوا بی تفاوت باشد بلکه قوه عاطفه اش به جوش می‌آید و به کمک آنها اقدام میکند. (**وَهُو شَهُر المواَسَاةِ**) یعنی ماه مبارک رمضان، ماه همدردی واشکشوی است.

٥- روزه مظهر وحدت اسلامی

وقتی ماه مبارک رمضان فرا می‌رسد در حقیقت تمام امت اسلامی‌برابراست که در شرق دنیا باشد و یا درغرب و جنوب و شمال جهان، با تفاوت بسیار اندک که آن هم هزاران حکمت را درخود گنجانده است مانند: دراز وکوتاه بودن روزها، پس وپیش شدن یک روز و غیره، روزه میگیرند و همچنان عید میکنند.

٦- روزه دستگاه هاضمه رابهبود می‌بخشد

از اینکه در ماه مبارک رمضان شخص روز دار در تناول غذا تفاوت زمانی را به وجود می‌آورد، دستگاه هاضمه به خوبی این فرصت را پیدا میکند که نَفَسِ راحت بگیرد و راحت شود وتقویت یابد.

۷- روزه وتدای امراض

و هم چنان روزه در علاج ونجات از بسیاری از امراض مانند: جلو گیری ازاختلالات مزمن،چاقی، فشار خون، شکر، امراض قلبی و ... نهایت مؤثر میباشد واین چیزیکه حتی محققین غیر اسلامی‌نیز به آن اذعان داشتند حقا که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ دراین مورد راست فرمودکه: (**وَصُومُوا تَصِحُّوا**) روزه بگیرید تا صحت مند بمانید.

کار خانگی طبق کتاب درسی تعیین گردد.

درس پانزدهم: فرضیت روزه

صفحه: ۲۹

وقت: دو ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

-حکم شرعی روزه را بدانند.

-بفهمند که ماه مبارک رمضان دارای فضلیت بزرگ است.

-راجع به جایگاه این ماه به دیگران معلومات داده بتوانند.

-درعمل روزه اخلاص پیداکنند.

دانش لازمی

-﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ اللّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

ترجمه: ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمائی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد باشد و جدائی افگند، پس هر که از شما این ماه را دریابد، باید که آن را روزه بدارد، و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد، چندی از روزهای دیگر را، خداوندﷻ آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست، و تامدت را کامل گردانید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده است، بزرگ دارید و تا این که سپاسگزاری کنید.

-حکم شرعی روزه ماه مبارک رمضان

علمای اسلامیاجماع دارند بر اینکه روزه ماه مبارک رمضان بر هر مسلمان عاقل و بالغ فرض بوده تارک آن مرتکب گناه کبیره و منکر آن کافر میباشد. و بر فرضیت روزه ماه رمضان دلائلی هم در قرآن کریم وهم در احادیث نبوی وجود دار که مشت نمونهٔ خروار مانند **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ)** یعنی: ای مؤمنان! روزه بر شما فرض قرارداده شده است، در آیت مبارکه لفظ (كُتِبَ، بمعنی(فُرِضَ) یعنی فرض کرده شده است، وهمچنان درحدیثی وارد شده است که پیامبر اسلامﷺ فرمود: **(بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ ... وَصَوْمِ رَمَضَانَ)** یعنی اسلام بر پنج پیایه اساس گذاری شده است که از جمله یکی آن رزوه ماه مبارک رمضان است. و نیز دانشمندان امت اسلامیبر فرضیت آن اجماع دارند واحدی دراین قضیه اختلاف نظر نداشته است.

-تاریخ فرضیت

هر چند روزه به عنوان یک عبادت بدنی مهم از قدیم الایام در میان افراد بشریت با تفاوتهای قابل ملاحظه ای باروزه امروزی مسلمانان وجود داشته است، چون برخی آن روزه ها یک روزه، یک هفته ای، و یا روزی که از خوردن برخی غذاها مانند گوشت خود داری میشد، وهم چنان مظاهرآن روزه ها را امروز در جهان نزد برخی رومیان وغیره میتوان دید، ولی روزۀکه امروزه مسلمانان داشتن آن مامور هستند در سال دوم، هجری بتاریخ دوم شعبان با نزول این آیه مبارکه **(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيَ أُنزِلَ...)** فرض گردید. و آن حضرت ﷺ قبل از فرضیت روزه ماه رمضان، روز عاشورا (دهم محرم الحرم) را روزه می گرفتند.

دراین عصر روزه این گونه ثابت میشود

امروزه روزه ماه مبارک رمضان با دیدن هلال (ماه) رمضان فرض میگردد. پس بر مسلمانان ضروری است که برای دیدن هلال رمضان نهایت کوشا و مراقب باشند که خدا نا خواسته در روزه شان خللی واقع نشود و رؤیت ماه رمضان توسط دو شخص عادل مرد باشند یا زن باید تصدیق شود، در صورت که تعداد زیادی از مسلمانان هلال را دیده باشند، باز عدالت شرط نیست، در صورت که آسمان ابری باشد با تکمیل شدن سی(۳۰) روز شعبان، روزه رمضان فرض میگردد چون درحدیثی آمده **(صُومُوا لِرُؤْيَتِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَتِهِ فَإِنْ** غُمِّيَ عَلَيْكُمْ **فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ)** یعنی با دیدن ماه روزه گیرید وبا دیدن آن افطار نمایید پس اگر ماه برشما پوشیده ماند، سی روز ماه شعبان را تکمیل نمایید.

- فضایل رمضان

ماه رمضان در واقع سرور و سردار تمام ماه های سال است، ماهی که در آن قرآن نازل شده، ماه قربت الهی، نیکی، احسان، مغفرت، رحمت، و رضوان است، ماهی که در آن شب قدر است که از عبادت هزار ماه بهتر است ماه قبولیت دعا ها و...

در احادیث فضائل زیادی برای این ماه عظیم وارد شده است مانند:

۱- **(سَيِّدُ الشُّهُورِ رَمَضَانُ، وَسَيِّدُ الأَيَّامِ يَوْمُ الْجُمُعَةِ)** یعنی رمضان سردار ماها و روز جمعه سردار روز ها است.

۲- **(لَو يَعلَمُ العِبَادُ مَا فِي رَمَضَانَ، لَتمنت أمتي أن يكون رمضان السنة كلها)**

ترجمه: اگر مردم بدانند آنچه در ماه رمضان نهفته است، امتم آرزو خواهند کرد که تمام سال رمضان باشد.

۳- **(أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ...)** ترجمه: ماه رمضان برشما فرا رسیده و او ماه مبارکیست.

٤- (إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فُتحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّة وفي رواية: **إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ الشَّيَاطِينُ).**

وقتی ماه رمضان فرا می رسد، درهای بهشت گشوده می شوند، و در روایت دیگری، رسول اکرم فرمود: وقتی ماه رمضان می رسد، درهای آسمان، گشوده می شوند و درهای دوزخ، بسته می گردد و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند.

حوادث که در ماه رمضان به وقوع پیوست

۱- نزول قرآن کریم.

۲- غزوۀ بدرکبری:

آن همان غزوۀ بود که خداوندﷻ آن را (یوم الفرقان) خوانده است، این واقعه به روز جمعه هفدهم رمضان سال سوم هجری رخداد.

۳- فتح مکه:

این واقعه به روز جمعه بیست و یا بیست و یکم رمضان سال ۸ هجری رخداد.

۴- بعضی حوادث غزوۀ تبوک در رمضان نهم هجری رخداد.

۵- نشر اسلام در کشورهای اسلامیدر سال دهم هجری در همین ماه واقع شد.

۶- در بیست وپنجم همین ماه سال ۸ هجری ساختمانی که در آن بت (عُزَا) پرستش می‌شد منهدم شد.

درس شانزدهم: اقسام روزه

صفحه: ۳۱

وقت: دوساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

-اقسام احکام روزه را بدانند.

- مرتبت وجایگاه هر حکم شرعی را بفهمند.

- برای عدم جواز روزه های روز عید و .... دلیل ذکر کرده بتوانند.

دانش لازمی

اقسام روزه

روزه بر هشت قسم تقسیم شده است که در ذیل چنین نگاشته میشود:

١- روزه فرض معین: مانند روزه ماه مبارک رمضان.

٢- روزه فرض غیر معین: مانند روزه های قضای ماه مبارک رمضان.

٣- روزه واجب معین: مانند روزۀ نذری یعنی روزه که به هفته، ماه، سال وغیره مقید شده باشد، مانند اینکه بگوید: من نذر میگردانم که روز پنجشنبه را روزه گیرم.

٤- روزه واجب غیر معین: مانند روزه نذریکه بطور مطلق بوده و به روز، یا هفته و وقتی مقید نباشد.

٥- روزۀ مسنون: روزه های مسنون مانند:

الف: روزه روز عرفه یعنی نهم ذی الحجه.

ب: روزه نهم و دهم ماه محرم الحرم.

ج: روزۀ ایام بیض یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه اسلامی.

٦- روزه مستحب: بعد از روزه های فرض، واجب و سنت دیگر تمام روزه ها مستحب است و نیز تمام روزه های نفلی شامل مستحبات میشود. مانند: روزه های، دوشنبه، پنجشنبه، روزۀ روز جمعه.

٧- روزه مکروه تحریمی: روزه گرفتن روز اول عیدالفطر، روزه اول عید الأضحی و ایام تشریق یعنی (۱۱،۱۲،۱۳) ذی الحجه، نزد فقهای حنفی مکروه تحریمی‌است و مکروه تحریمی‌به حرام نزدیک است، و هم چنان تنها روزه گرفتن روز شنبه بخاطر مشابهت با یهود و تنها روزه گرفتن

روز یک شنبه بدلیل شباهت به نصارا و روزهٔ روز مهرجان و نوروز بخاطر مشابهت به مجوس مکروه تحریمی‌میباشد.

۸- روزه مکروه تنزیهی: مانند: صرف روزه گرفتن روز دهم محرم الحرم.

-وقت روزه

روزه از طلوع صبح صادق آغاز میگردد و تا غروب آفتاب ادامه می‌آبد، صبح صادق عبارت از روشنی هست که در کنارهٔ آسمان در افق مشرقی از طرف شمال به طرف جنوب پدیدار میگردد و تسریعاً در افق گسترش می‌آبد و بعد از آن دیگر تاریکی نمی‌باشد.

واما صبح کاذب را که عبارت است از سفیدی که بصورت عمومی‌از زمین بطرف آسمان قبل از صبح صادق به وجود می‌آید و بعداً به سرعت غایب میشود و بعد از آن تاریکی پدیدار میگردد.

درس هفدهم: مفسدات روزه

صفحه: ۳۳

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

-بدانند که شکنندۀ های روزه چیست؟.

- بفهمند که چه وقت قضا، وچه وقت کفاره و یا هر دو لازم میگردد؟.

-راجع به شکننده های روزه معلومات ارائه کرده بتوانند.

-مفسدات روزه

آنچه که روزه را فاسد نمی‌کند بردو قسم است:

الف:چیز های که انجام دادن آن برای روزه دار مکروه باشد و آن چیزها ی است ، در صورتی که روزه دار آن را انجام دهد خطر این وجود دارد که روزه دار را بطرف فساد روزه بکشاند چون قوۀ جاذبۀ حیوانی انسان در چنین مواردی بسیار قوی عمل میکند و با عث فساد روزه میگردد.

ب:آن چیز های است که انجام دادن آن برای روزه دار مکروه نیست چون خطر کشاندن روزه دار بطرف فساد روزه وجود ندارد.

توضیح آنچه گفته شد

چیز های که برای روزه دار مکروه هست ویا مکروه نیست مانند:

۱- برای مرد ها در حالت روزه سرمه کردن مکروه نیست، بشرطی که بخاطر زینت نباشد و اگر به منظور زینت باشد، مکروه، است و این برای زنها هرچند به هدف زینت هم باشد مکروه نیست وقول را جح آنست که سرمه مکروه نیست هر چند ذائقۀ آن در حلقش احساس گردد.

۲- روغن کردن بروت و ریش برای روزه دار در حالت روزه مکروه نیست، و در این خصوص روغن مخصوصی نزد فقهاء نیز مطرح نیست.

۳- روزه دار بر علاوۀ از وضو اگر دهنش را بشوید، در بینی اش آب بیاندازد، و بخاطر سرد کردن بدنش غسل نماید یا در سرش آب یخ بریزد، در تمام صورتهای فوق مکروه نیست.

۴-در حالت روزه مسواک کردن مکروه نیست، برابر است که روزه فرضی باشد، یا نفلی ویا واجب و مسواک تر باشد یا خشک.

۵-برای روزه دار بوسیدن عطریات مکروه نیست.

آنچه در حال روزه برای روزه دار مکروه است

- چیزی را در دهن گذاشته و بجود بشرطیکه به داخل فرو نروَد.
- چشیدن چیزی، البته در صورت که خانمها شوهر بد اخلاق داشته باشند و از عدم توازن نمک غذا جنجال بر پا شود، میوانند آن را بچشند مشروط براینکه به حلق شان داخل نشود.
- جمع نمودن آب دهان را در داخل دهن، چون خطر فرو رفتن آن به معده وجود دارد.
- غیبت، نا سزاگویی، جنگ و دروغ نیز مکروه است.
- غره غره کردن و کش کردن آب در بینی.
- به تعویق انداختن غسل جنابت تا بعد از صبح صادق.
-استفاده از کرِم دندان، کشیدن خون، کار شاقه در صورت که اندیشه ضعف وجود داشته باشد.

آنچه روزه را فاسد میکند

آن چه که روزه را فاسد میکند در حقیقت دو قسم است:

الف: قسم اول آنست که با ارتکاب آن هم قضا لازم میگردد و هم کفاره مانند اینکه:

۱- در حالت روزه رمضان چیزی را که معمولا غذا محسوب میشود بخورد.

۲- در ماه مبارک رمضان شخص روزه دار با خانم خود همبستر شود.

۳- بعد ازحجامت به گمان اینکه روزه اش فاسد شده است، بخورد و بنوشد.

ب: آنچه روزه را فاسد میکند و صرف قضا لازم میگردد، قرار ذیل است:

- شخص روزه دار به خوردن چیزی اجبار واکره شود.
- روزه دار به یاد روزه اش بوده ولی هنگام مضمضه ناگهان آب به حلق اش پائین شود.
- استفراغ کرده آن را دوباره بخورد.
- به قدری استفراغ کند که دهن اش پر شده باشد.
- سنگ و کلوخ و یا اشیای دیگری را بخورد.
- غذایکه میان دندانها باقی مانده، آن را با زبان بیرون بکشد و به قدر یک نخود و یا کلان تر آز آن باشد، آن رابخورد.
- نسوار یا تمباکو استفاده کند.
- خون که از دندانها خارج شود آن را بخورد.

- به گمان اینکه آفتاب غروب کرده است، افطار کند.

قضا و کفاره روزه:

قضا آنست که در بدل یک روزه افطار شده یک روز روزه گیرد و کفاره آنست که در بدل روزه افطار شده اولا اگر قدرت داشته باشد و غلام پیدا شود یک غلام آزاد کند، اگر قدرت آن را نداشت ۶۰ روز پی در پی روزه گیرد که درمیان انقطاع نباشد و اگر انقطاع واقع شود دوباره از سر روزه گیرد و اگر توان آن را نیز نداشت پس درین صورت ۶۰ مسکین را دو قت غذا میدهد و غذا به گونه متوسط میباشد نه بسیار تشریفاتی و نه خیلی نا چیز.

درس هجدهم:نماز تراویح

صفحه: ۳۵

وقت: دو ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم تراویح و سابقهٔ تاریخی آن را بدانند.
- اهمیت نماز تراویح را بفهمند.
- برای دیگران در مورد نماز تراویح دلایل ذکر کرده بتوانند.

دانش لازمی

-مفهوم تراویح

تراویح جمع ترویحه به معنی راحت، آسایش، و رفع خستگی بکار می‌رود، و نشستی که بعد از چهار رکعت نماز تراویح در شبهای ماه مبارك رمضان صورت میگیرد آن را تراویح و ترویحه گویند، ولی اکنون این اصطلاح بر هر چهار رکعت نماز که درشبهای ماه رمضان ادا میگردد، بطور مجاز اطلاق میشود، چون سلف امت اسلامی بعد از هر چهار رکعت نماز می‌نشستند و مقداری راحت میگرفتند.

حکم نماز تراویح

فقهای جهان اسلام به سنت بودن نماز تراویح اتفاق نظر دارند ولی نزد فقهای حنفی، حنبلی و برخی مالکیها تراویح سنت مؤکد است هم برای زنان و هم برای مردان (الا ختیار۶۸) ورد المحتار۴۷۲)

نماز تراویح در میان نماز های سنت و نوافل از اهمیت و جایگاهی بزرگی برخوردار است طوریکه برخی فقهاء قاعده دارند که هر سنت و نوافل که شرعاً با جماعت خوانده شود نسبت به نوافل و سنن دیگر برتری دارد که نماز تراویح از آن جمله نمازها است.

تاریخ مشروعیت نماز تراویح

حضرت عایشه صدیقه درین باره روایت دارد که پیامبر اسلام ﷺ (خرج من جوف اللیل لیالی رمضان وصلی فی المسجد و صلی الناس بصلاته و تکاثروا فلم یخرج فی الرابعۀ،وقال لهم: خشیت أن تفرض علیکم فتعجزو اعنها (بخاری، مسلم).

ترجمه: آن حضرت ﷺ شبی از شبهای ماه رمضان از خانه بیرون رفت ودر مسجد نماز خواند و مردم به وی اقتدا کردند و زیاد شدند، آن حضرت ﷺ دیگر برای شب چهارهم به مسجد نرفت وبرایشان فرمود: میترسم که این نماز برشما فرض نشود که آن وقت ازآن عاجز بمانید.

علماء میفرمایند: این حدیث نشان میدهد که نماز تراویح در اواخر عمر آن حضرت ﷺ مشروع شده است چون با دوام خواندن آنجناب ثابت نیست.

بعد از آن حضرت عمر بن الخطاب در سال چهاردهم هجری مردم را به امام واحد جمع کرد و بدین ترتیب تا امروز این سنت مبارک ادامه دارد.

حضور خود پیامبر اکرم ﷺ دراین نماز بر سنت بودن آن نماز کفایت میکند ولی عملکرد حضرت عمر ، آن را بیشتر تقویت بخشیده است چون بر اساس حدیث پیامبر اسلام ﷺ که فرمودند: بر شما سنت من و سنت خلفای راشدین لازمی‌است).

تعداد رکعات نماز تراویح

جمهور فقهای اسلامی‌مانند حنفی ها، شافعی ها، حنابله، و برخی مالکی ها بدین نظر اند که نماز تراویح بیست رکعت است و مستدل این حضرات حدیثی است که حضرت امام مالک روایت میکند، و آن اینکه: سائب ابن یزید میگوید که (**کان قیام الناس فی زمان عمر بعشرین رکعة و جمع عمر الناس علی هذا العدد**).

ترجمه: درعصر عمرابن الخطاب مسلمانان نماز تراویح را بیست رکعت مخواندند وحضرت عمر مردم را به همین تعداد رکعات جمع نمود.

امام کاسانی میگوید: حضرت عمر به امامت حضرت ابی بن کعب مردم را جمع کرد، و آن برایشان بیست رکعت خواند و هیچ یکی از صحابه اعتراض نکرد و بدین ترتیب اجماع صحابه بر آن منعقد شد.

امام دسوقی میگوید: عمل صحابه و تابعین همین بود. ابن عابدین میگوید: این عمل مردم در مشرق و مغرب دنیا بوده است، امام علی السهنوری میگوید: بیست رکعت تراویح عمل مسلمانان صدر اسلام بوده و تا اکنون ادامه دارد.

ختم قرآن کریم در تراویح

یکبار در تراویح ختم قرآن کریم سنت بوده و امام مسجد بخاطر کسالت مردم آن را نباید ترک کند،اگر قاری در هر رکعت نماز ۱۰ ده آیات قرآن کریم را تلاوت نماید درطول ماه مبارک یک

ختم قرآن تمام میگردد چون تعداد رکعات تراویح در رمضان ۶۰۰ و یا ۵۸۰ میباشد و تعداد آیات قران کریم هم حدود ۶۰۰۰ و بیشتر از آن است، و برخی ها بدین نظر اند که در هر رکعت نماز تراویح به مقدار قرائت نماز مغرب خوانده شود، چون نماز هایکه علاوه از فرض هست در آنها تخفیف مطلوب است و حضرت عمر دستور داده بود که در هر رکعت سی آیت خوانده شود و در طول ماه مبارک رمضان سه ختم صورت گیرد، چون هر دهه و عشره فضائل و درجه خاص خود را دارد، برخی ها میگویند: قول حضرت عمر در موردختم که ازیک مرتبه بیشتر ختم شود محمول بر افضلیت میباشد واکنون حالت مردم را دیده امام مسجد تصمیم بگیرد چون دراین وقت مردم تنبل اند و در صورت که بیشتر خوانده شود نماز جماعت تقلیل پیدا میکند و تکثیر جماعت از تطویل قرائت افضل است و در شب ۲۷ رمضان ختم کردن نزد فقهای مستحب است (فتح القدیر) بهر حال به عجله خواندن قرآن کریم در تراویح درست نیست و خود داری از آن ضرور است.

قضای نماز تراویح

در صورتیکه نماز تراویح قضا شود و وقت نماز فجر داخل شود نظر راجح در نزد فقها و این است که دیگر نماز تراویح قضاء آورده نمی‌شود و اگر کسی بخواند برایش نفل حساب میشود مانند سنتهای رواتب دیگر، ولی در هر صورت تلاش شود که ازفوت شدن نماز تراویح جلو گیری شود و درین باره مسلمانان بسیار محتاط باشند چون قیام شب های رمضان اجر و ثواب زیاد دارد و اگر فوت شود آن را به نیت نفل بخواند. (درالمختار).

درس نوزدهم:اعتکاف

صفحه:۳۷

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید.

- معنی و مفهوم اعتکاف را بدانند.
- فضیلت اعتکاف را بفهمند.
- احکام و مسائل اعتکاف را توضیح داده بتوانند.
- عقیده کنند که خداوندﷻ بر اعتکاف اجر و پاداش زیاد میدهد.

دانش لازمی

حکمت اعتکاف

۱- دریافت شب قدر.

۲- انسان به تقاضای فطری خود گاهی اوقات میخواهد که از مردم کنار گیری نموده و در گوشهٔ به مناجات پروردگارش و عبادت و پرستش او تعالی بپردازد ولی از طرف دیگر در شریعت محمدی گوشه نشینی مطلق و کناره گیری از مردم ممنوع قرار داده شده است پیامبر اسلام ﷺ فرمود: رهبانیت امت من جهاد در راه خداوندﷻ است ولی اعتکاف در اسلام یگانه عمل مشروعی استکه میتواند این تقاضای درونی انسان را برا ورده سازد و غریزهٔ گوشه نشینی او را اشباع کند.

۳- اعتکاف برای تزکیهٔ نفس و اصلاح نفس انسانی بهترین وسیلهٔ در اسلام شناخته شده است مشروط بر اینکه مسلمانان همان شرائط لازم و ضروری آن را در نظر بگیرند.

۴- معتکف میتواند درین وقت فرصتهای مانند: قبولیت دعاء کثرت خواندن نوافل، تلاوت قرآن و توبه استفاده اعظمی نماید.

مشروعیت اعتکاف

عمل اعتکاف همان طوری که گفتیم یک عمل مشروع و ثابت با دلایل شرعی است مثلاً آیهٔ مبارکهٔ سوره بقره که الله تعالی میفرماید:(**وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ**).

ترجمه: وقتی که در مساجد به اعتکاف مشغول باشید، با آنان(همسران) همخوابی نکنید.

و در حدیثی از عائشه صدیقه چنین روایت شده است: **(أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّه عَلَيْه وَسَلَّم كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّه ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِه).**

ترجمه: یعنی پیامبر اسلام ﷺ تا اینکه از دنیا رحلت فرمودند، دههٔ آخر ماه مبارک رمضان را اعتکاف می‌نشستند، و بعد از آن ازواج مطهرات اش اعتکاف کردند.

و نیز امت اسلامی تا کنون بر مشروعیت آن اتفاق نظر دارند.

و عقلاً هم همان گونه که گفتم برای انسان ضروری است که مدتی را ولو اندک برای عبادت و مناجات با پروردگارش انتخاب نماید، این یک امر فطری است.

- فضیلت اعتکاف

فضائل زیادی در احادیث و هم از فقها و علمای جهان اسلام راجع به اعتکاف منقول است حضرت امام حسین روایت میکندکه آن حضرت ﷺ فرمود: کسیکه عشرهٔ آخر ماه رمضان را اعتکاف نماید، الله تعالی برای او ثواب دوحج ودو عمره را نصیب میگرداند (الترغیب)

حضرت ابن عباس روایت میکند که پیامبر گرامی‌اسلام ﷺ فرمود: معتکف از تمام گناهان محفوظ مانده و او را این قدر ثواب داده میشود که گویا او در حالت اعتکاف عملاً نیکیها را که (قبل از اعتکاف انجام میداد) انجام میدهد. مشکوة

اقسام اعتکاف

فقهای حنفی بدین نظر اند که اعتکاف بر سه قسم است

۱- اعتکاف واجب.

۲- مسنون.

۳- مستحب.

توضیح

- اعتکاف واجب عبارت از اعتکافی هست که انسان نذر کرده باشد که اگر فلان مشکل من حل شود و غیره در مسجد این قدر روز اعتکاف خواهم کرد، چون ایفای نذر ضروری و لازمی‌است پس بر وی نیز لازمی‌است که نذر خود را تکمیل کند.

- اعتکاف سنت، و آن عبارت است از اعتکاف در عشره آخر ماه رمضان این اعتکاف همان طوری که گفته شد سنت است و صاحب مراقی الفلاح نام مکمل او (سنت مؤکد علی الکفایه مذکور است).

- اعتکاف مستحب، و آن اینکه برای آن وقت شرعاً معین نیست و برای چند دقیقه هم اگر باشد انسان میتونداعتکاف نماید،به همین خاطر فقها میگویند: هر وقتی که برای نمازی وارد مسجد

میشود تا وقتی که از مسجد خارج میشود نیت اعتکاف نماید، الله تعالی به او ثواب اعتکاف را میدهد.

طریقۀ اعتکاف مسنون

در ماه رمضان تاریخ بیست بعد از نماز عصر پیش از غروب آفتاب بخاطر خوشنودی الله تعالی به نیت اعتکاف عشره آخر ماه رمضان وارد مسجد شود و تا اینکه هلال عید بطور رسمی و یقینی ثابت میشود در آن جا بماند و اعتکاف با دیدن هلال ماه بعد از غروب آفتاب تمام میشود. (شامی)

بهترین جا برای اعتکاف کجا است؟

برای اعتکاف افضل ترین جا بیت الله الحرام هست، بعداً مسجد نبوی، بعداً مسجد اقصی (بیت المقدس) سپس مسجد جامع،بعداً مسجد قریۀ که نماز خوان زیاد داشته باشد. (بدائع).

آداب و مسائل اعتکاف

۱- بدون عذر از مسجد خارج نشود.

۲- قبل از غروب آفتاب روز بیستم رمضان وارد مسجد شود.

۳- بعد از دیدن هلال عید از مسجد رخصت شود.

۴- در حالت اعتکاف از همبستری و اسباب آن خود داری صورت گیرد.

۵- به ذکر دعا و نوافل مشغول باشد.

۶- در حالت اعتکاف صحبت های نیک نماید و از سخنان نا شایسته خود دار نماید:

۷- اذکار مسنون را بخواند.

۸- درود شریف را بکثرت ورد نماید.

۹- نماز تسبیح را بخواند.

۱۰- نماز اشراق را بخواند.

۱۱- حداقل بعد از نماز فجر تا اشراق و بعد از نماز عصر تا مغرب مصروف ذکر و اذکار شود.

۱۲- در شبهای قدر نهایت سعی و تلاش کند.

برخی مفسدات اعتکاف

برخی اعمال طوریست که با انجام دادن آن اعتکاف فاسد میشود مانند:

۱- معتکف بدون ضرورت شرعی و طبیعی از مسجد خارج شود.

۲- اگر معتکف این قدر مریض شود که در مسجد ماندن اش مشکل باشد. میتواند به خانه برود ولی اعتکاف اش فاسد شده و خوداش گنه کار نمی‌شود.

۳- اگرمعتکف فراموشاً از مسجد خارج شود، اعتکاف اش فاسد ولی خودش گنهکار نمی‌شود. (قاضی خان).

٤- اگر روزهٔ معتکف فاسد شود، اعتکاف اش نیز فاسد می‌شود. (بحر)

درس بیستم: صدقه فطر

صفحه: ۳۹

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم صدقه فطر را بدانند.
- احکام و مسائل صدقه فطر را بفهمند.
- شرایط صدقه فطر را بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

مفهوم صدقه فطر

صدقه فطر را زکات الفطرو فطره هم میگویند در اصل فطر ازهمان افطار مشتق شده است و افطار ماه مبارك رمضان سبب وجوب فطره میشود بدین خاطر آن را فطر میگویند، و در اصطلاح عبارت از مقدار مالی است که در آخر ماه رمضان بگونه تلافی نواقصات روزه رمضان به فقرا و مساکین پرداخته میشود.

-تاریخ و دلایل مشروعیت صدقه فطر:

صدقه در ماه شعبان سال دوم هجری سالیکه روزه رمضان فرض شد مشروع گردید و دلایل زیادی به مشروعیت و وجوب آن است که از جمله:

۱- حدیث پیامبر اسلام ﷺاست که: (**فَرَضَ رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللَّه عَلَيْه وَسَلَّم زَكَاةَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَو صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ عَلَى الْعَبْد وَالْحُرِّ وَالذَّكَرِ وَالْأُنْثَى وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ مِنْ الْمُسْلِمِينَ وَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُؤَدَّى قَبْلَ خُرُوجِ النَّاسِ إِلَى الصَّلَاةِ**) **یعنی رسول الله ﷺ** صدقۀ فطر را بر مردم مشروع ساخت که یک صاع از خرما، یا یک صاع از جو میباشد و بر آزاد، غلام ، مذکر، مؤنث، خورد سال وبزرگ سال از مسلمانان لازمیاست ودستور دا ده که قبل از رفتن به نماز عید پرداخته شود.

۲- از ابو سعید خدری روایت است که میفرماید:(**كُنَّا نُخْرِجُ زَكَاةَ الْفِطْرِ وَرَسُولُ اللَّه صَلَّى اللَّه عَلَيْه وَسَلَّم فِينَا عَنْ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ حُرٍّ وَمَمْلُوكٍ مِنْ ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ صَاعًا مِنْ أَقِطٍ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ**...)

ترجمه: ماوقتی پیامبر اسلام ﷺ در میان مان حضور داشت، صدقه فطر را که یک پیمانه از خرما، یا یک پیمانه از پنیر، یا یک پیمانه ازجومیشد، می‌پرداختم.

حکمت مشروعیت صدقه فطر:چند امر میتواند باشد

۱- جبران نواقص وکوتاهی که در روزه فرضی صورت گرفته است.

۲- جلوگیری از فقر وبیچارگی در جامعه اسلامی.

۳- تا همه مسلمانان چه فقیر و چه غنی درین روزه هم برای خوردن چیزی داشته باشند و هم برای پوشیدن .

٤- تمام مسلمانان را در سرور و خوشیهای روز عید شریک ساختن.

حکم صدقه فطر

جمهور فقهاء بدین عقیده اند که صدقه فطر بر هر مسلمان واجب است.

برخی مسائل و احکام صدقه فطر

۱-صدقه فطر به وقت طلوع فجر صادق واجب میگردد، پس کسیکه بعد از طلوع فجر صادق بدنیا آید و یا کسی قبل از طلوع فجر صادق از دنیا برود، صدقه فطر بروی واجب نمی گردد.

۲- صدقه فطر باید قبل از نماز عید داده شود ولی اگر بعد از نماز عید و یا درخلال ماه مبارک رمضان داده شود درست است.

۳- اشخاصیکه مستحق زکات باشند، مستحق صدقه فطر نیز میباشند و افرادی که زکات به آنها درست نیست، صدقه فطر هم درست نیست.

٤- در صدقه فطر هم مانند زکات باید تملیک صورت گیرد.

۵- آنچه در صدقه فطر داده میشود چهار چیز است، گندم، جو، خرما، کشمش، البته از گندم نیم صاع و از جو وکشمش یک صاع میباشد.

درس بیست و یکم: زکات

صفحه: ۴۱

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم و معنی زکات را بدانند.
- احکام و مسائل زکات را بفهمند.
- فلسفۀ زکات را توضیح داده بتوانند.
- به زکات به عنوان یک فریضه الهی معتقد شوند.

دانش لازمی

تعریف زکات

زکات در لغت عربی به معانی مختلف اطلاق میشود که از آن جمله: نُمو، رشد، پاکی و طهارت میباشد چنانچه در قرآن کریم میخوانیم(**خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا** ...) واضح است که با ادای زکات بقیه مال افزایش پیدا میکند حالا این افزونی گاهی بگونه ظاهری در مال دیده میشود و گاهی بگونه معنوی یعنی برکت مال زیاد میشود و با مال اندک کار های بزرگ را انجام میدهد، و نیز از شر سارقین و مصائب دیگر حفاظت میشود و هم چنان از لحاظ معنوی ذخیره آخرت میشود، و خود انسان نیز با دادن زکات از نگاه روانی و معنوی پاک شده و محبت مادیات و ماده پرستی از وجودش بیرون میشود.

و در اصطلاح زکات عبارت است از تمیلک مال برای فقیر مسلمان که هاشمی‌نباشد بخاطر رضای الله تعالی میپردازد مشروط بر اینکه دیگر از مال مذکور منفعت نگیرد. (بحر الرائق)

نظام زکات در اسلام

زکات یک فریضۀ مالی وعبادتی است که در شرائع تمام انبیای الهی گذشته وجود داشته وجزء شریعت شان بوده و به صورت یک امر دینی مهم به آن عامل بودند، البته قابل ذکر است که قبل از اسلام نصاب زکات، مقدار زکات، مصارف زکات طوری بوده که با شریعت محمدی تفاوت داشته است.

تفاوت زکات با نظام تکس(مالیات)

در حقیقت زکات بدنبال خود حکمتهای برزگی را دارد که برخی آنها در منابع اسلامی تـذکر داده شده واین نشان میدهد که زکـات اسـلامی‌را بـا تکـس و یـا همـان نظـام مالیـاتی کـه در نظامهـای امروزی معمول است اشتباه نگیـریم چـون زکـات دو هـدف اساسـی دارد یکـی تطهیـر و یـا پـاکی زکات دهنده از گناه، ازمحبت مادیات و هوا پرستی و دومین هدف زکات،کمک و تعاون افـرادی است که قدرت وتوان مالی ندارند وبرای امرار زندگی به مشکل مواجه هستند مانند: یتیمان، بیـوه ها، معذور ها و معیوب هاو...

و در آیه مبارکـه (**خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...**) بـه هـدف اولـی ودر آیـۀ مبارکـۀ(اِنمَاَاَلصَّدَقَاتُ لِلفُقَرَاء...) به هدف وفلسفۀ دومی‌اشاره گردیده است در حالیکه در نظام مالیات مروج دنیای امروزی چنین اهداف وفلسفه ای را سراغ نداریم.

زکات چه وقت فرض میگردد

شرایط فرضیت زکات دو نوع است، برخی شرایط بر زکات دهنده ارتباط دارد و بعض دیگر آن به مال زکاتی مربوط میشود.

شرایط زکات دهنده

۱- مسلمان بودن زکات دهنده: پس زکات بر اساس این شرط بر کفار واجب نیسـت چـون زکـات عبادت است و کفار به عبادات مکلف نیستند بلکه آنهـا بـه ایمـان آوردن مکلـف انـد. وهـم چنـان زکات بر مرتد لازم نیست هر چند یک سال برمالش بگذرد واو در حال ارتداد باشد.

۲- زکات دهنده بالغ باشد: پس زکات برصبی و افـراد نـا بـالغ واجـب نمـی‌باشـد وایـن دیـدگاه از حضرت علی و ابن عباس منقول است،زیرا که زکات عبادت است و اطفال مکلف به ادای عبـادات نیستند، مانند اینکه روزه و نماز برآنها واجب نیست پس زکات هم واجب نیست و ازینکـه زکـات عبادت مالی است، پس ولی صبی میتواند از طرف آن تصرف نماید و زکات اموال آن را بپردازد.

۳- عقل یعنی زکات دهنده باید عاقل باشـد: یکـی از شـرائط فرضـیت زکـات عاقـل بـودن زکـات دهنده است یعنی زکات بر انسان دیوانه و مجنون واجب نیست چون زکات عبادت بـوده و مجنـون مکلف به عبادات نیست، البته قابل ذکر است که مجنون دو قسم است یکی جنون اصلی یا حقیقـی وآن اینکه انسان قبل از بلوغ مجنون بوده و در حال جنون بالغ شده باشد بـه چنـین مجنـونی زکـات

واجب نیست و اگر بعد از بلوغ هوشیار (افاقه) شود،زکات براو واجب میگردد ولی سالهای را که در حال جنون سپری نموده است، معاف بوده و زکات از آغاز افاقه حساب میشود.

وقسم دوم جنون آنست که بگونه عارضی وموقت به انسان پیش آید پس دراین نوع جنون حکم شرعی آنست که اگر این حالت یک سال ویا بیشتر از آن ادامه یابد، حکم قسم اولی را بخود میگیرد و اگر کمتر از یک سال باشد دراین صورت زکات بر او واجب میباشد.

۴- زکات دهنده مالک نصاب باشد: پس اگر مال آن به مقدار نصاب نرسیده باشد، زکات بر او واجب نمیشود.

شروط مر بوط به مال زکات

۱- ملکیت تام: یعنی مال وثروت که از آن زکات داده میشود، تحت کنترول ودر تصرف آن شخص باشد واگر مال مذکور در اختیارش نباشد مانند اینکه: مال مفقود باشد، مصادره شده باشد، غصب گردیده باشد و... دراین صورت زکات بر وی واجب نیست.

۲- مال زکات فارغ از دَین باشد: یعنی دین اش به قدری نباشد که وقتی دَین ادا شود، ما بقیه مال از حد نصاب کم شود پس اگر دَینش چنین باشد دراین صورت نیز زکات بر وی واجب نمی‌شود.

۳- مال نصاب از حاجات اصلی اش زائد باشد: و هدف از نیاز های اصلی مانند: مسکن، لباس، سواری، غذا و... پس نصاب مقرر برای ادای زکات ازین نیاز مندی ها افزون باشد.

۴- حولان الحول شده باشد: یعنی منظور از حولان الحول همان گذشت یک سال بر اموال زکاتی است وتا وقتی که یک سال بر سرمایه نگذشته باشد، زکات برآن واجب نمیگردد.

شروط ادای زکات

۱- نیت:، چون زکات عبادت است پس نیت در آن ضروریست.

۲- اسلام: چون غیر مسلم مکلف به ادای آن نیست.

۳- اداء علی الفور باشد: یعنی در ادای زکات تاخیر نباشد و این قول مفتی به است.

۴- تملیک: یعنی زکات برای فقراء طوری داده شود که آن را مالک آن بسازد.

درس بیست و دوم: نصاب زکات

صفحه: ۴۳

وقت : یک ساعت درسی.

اهداف درس شاگردان باید:

- نصاب زکات را بدانند.
- بفهمند که تا نصاب زکات تکمیل نباشد زکات فرض نمی‌شود.
- مقدار نصاب زکات را برای دیگران بیان کرده بتوانند.
- باورکنندکه وجود نصاب درباب زکات شرط است.

دانش لازمی

هدف از نصاب زکات

نصاب در لغت عربی به معنی اصل است و نصاب زکاة یعنی مقدار معینی از مال که درصورت تکمیل آن زکات فرض میگردد.

در اصطلاح شرعی: نصاب عبارت ازمقدار سرمایه ای هست در کمتر از آن زکات واجب نشود.

ودر بحث زکات، نصاب هرمالِ زکات از مال وثروت دیگری فرق می‌کندکه بعدا توضیح داده میشود.

اموالیکه در آنها زکات واجب میگردد

در مجموع پنج نوع مال است که در آنها زکات واجب میشود و آن را اموال زکاتی هم میگویند مانند:

۱- حیوانات (بز، گوسفند، گاو، گاومیش، غژگاو، شتر، وغیره...

۲- طلا و نقره.

۳- اموال تجارت(کالاهای تجارتی).

۴- معادن و رکاز.

۵- کشت و میوه ها.

مراحل فرضیت زکات

درین شکی نیست که زکات در برنامه های دعوتی پیامبران الهی که قبل از پیامبر اسلام ﷺ حضرت محمد مصطفیﷺ به طرف بشریت فرستاده شدند وجود داشته است طوریکه یکی از آیات قرآنی این مسئله را چنین بیان میکند:(**وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ**).

ترجمه: ما آنان را پیشوایانی نمودیم که برابر دستور ما مردم را رهبری می کردند،وانجام خوبیها و اقامه نماز و دادن زکات را بدیشان وحی کردیم، و آنان تنها ما را می پرستیدند.

البته ممکن کیفیت آن زکات به کیفیت که امروزه در شریعت محمدی مشروع است تفاوت داشته باشد، ولی نفس زکات که همان دستگیری فقرا وکمک به هم نوع خود میباشد، چیزیست که در آن زمان نیزمروج بوده است.

تاریخ مشروعیت زکات

در موضوع مشروعیت زکات در شریعت محمدی فقهاء -رحمهم الله تعالی- دو دیدگاه دارند:

۱- دیدگاه اول: آنکه زکات در مکه فرض شده بود و این دانشمندان به آیات که واژۀ (زکات) در آن بکار رفته و در عهد مکی نازل شده است استدلال کردند مانند:(**فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ *وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ *فَكُّ رَقَبَةٍ *أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ*أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ**).

ترجمه:او خویشتن را به گردنه نمی زند، تو چه می دانی آن گردنه چیست ؟ آزاد کردن برده است، یا خوراک دادن در زمان گرسنگی است، به یتیم خویشاوند، یا به مستمند خاک نشین.

ونیز بر اساس آیۀ:(**فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ*وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ**) .

ترجمه: یتیم را به سختی مران واورا زبون مدار و گدارا با خشونت مران،وهمچنان بر بنیاد آیۀ (۲۴) سورۀ معارج و به آنچه حضرت جعفر- رضی الله عنه- در حبشه در پیشگاه نجاشی مطرح کرد او فرمود: (وَيَأْمُرُنَا بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ). یعنی آن حضرت ﷺ ما به نماز، زکات وروزه دستور میدهد، استدلال نموده گفتند که زکات در عهد مکی فرض شده بود.

۲- دیدگاه دوم:این است که زکات در عهد مدنی فرض شده است و همین دیدگاه راجح است که زکات در سال دوم هجری در ماه شوال در مدینه منوره فرض گردید و آنچه که در آیات

مکی مشاهده شد، به عنوان فرض نه بلکه به حیث یک همکاری و تعاون و دستگیری انسانهای راه افتاده و نیازمند بود.

و چون در حقیقت زندگی مکی تمرینی بود برای آغاز یک زندگی دیگری، بدین خاطر به مسلمانان دستور زکات به عنوان یک امر مستحب داده شده بود تا تمرین و آمادگی باشد برای ادای زکات در آینده به حیث یک فریضه الهی و رکن برجسته اسلام عزیز (والله اعلم).

ابن حجر عسقلانی هم بدین باور است که آنچه در مکه زکات خوانده می‌شد دارای نصابی به این شکل مخصوص که در مدینه فرض شد،نه بود و در واقعۀ حضرت جعفر که از زکات نام برده شده از روزه نیزنام برده شده است در حالیکه به اتفاق فقهاء روزه در مدینه فرض شده است، و هم چنان در حدیثی آمده است: **(أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّم بِصَدَقَة الْفطْر قَبْل أَنْ تَنْزِلَ الزَّكَاةُ فَلَمَّا نَزَلَتْ الزَّكَاةُ لَم يَأْمُرْنَا وَلَمْ يَنْهَنَا وَنَحْن نَفْعَلُه).** یعنی رسول اکرم ﷺ قبل از فرضیت زکات ما را به ادای صدقه فطر دستور داده بود ،وقتی زکات نازل شد، دیگر مارا به ادای صدقه فطر نه دستور میداد ونه نهی میفرمود و ما آن را انجام میدادیم.

اهمیت ادای زکات

ادای زکات یکی مسؤلیتهای ایمانی و اسلامی‌مسلمانان است که در صورت داشتن قدرت و توان (نصاب) به پرداخت آن اقدام نمایند، و مسلمان نباید در پرداخت آن تعلل وبهانه جویی کند که این قضیه ایمان یک انسان مسلمان را به محک امتحان وآزمایش میکشاند ونیززکات از ارکان اسلام میباشد و در کُل پرداخت زکات خوبیهای ذیل دارا است:

۱- عمل به دومین ارکان اسلام.

۲- نمادی از درخشش وقوت ایمان انسان مسلمان است.

۳- زکات از تمام صدقات برتری داشته و باعث تقرب انسان به پروردگارش میشود.

۴-ادای زکات در حقیقت مبارزه جدی با هواپرستی وماديات گرائی است.

درس بیست و سوم: زکات(عشر)غله ها،و میوه ها

صفحه: ۴۷

وقت:یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مقدار زکات حبوبات و میوه ها را بدانند.
- بفهمند که در کدام حبوبات به چه میزانی زکات فرض است.
- برای فرضیت عُشر از قرآن و حدیث دلایل بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

فرضیت عشر

عشر یعنی زکات حبوبات،کشت و زراعت و میوه جات از قرآن و حدیث، اجماع و قیاس ثابت است.

۱-قرآن کریم درین باره میفرماید:**(وَآتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ)** یعنی به هنگام رسیدن و چیدن و درَو کردن از آنها ببخشید و زکات لازم آنها را بدهید.

مفسرین بدین نظر اند که هدف از حق در آیه فوق عشر است.

۲- در حدیث ازین قول گهر بار پیامبر اکرمﷺ ثابت میشود که آن حضرت ﷺ فرمود: زمینی که به وسیله آب باران سیراب شود در آن عشر (دهم حصه) است و زمینی که به وسیله چاه وجوی سیراب شود، در آن نصف عشر یعنی بیستم حصه است.

۳-از اجماع و نیز امت اسلامی از صدر اسلام تاکنون بر فرضیت آن اجماع دارد.

توضیحی در مورد زمین عشری وخراجی

- زمین عشری: عبارت از زمینی است که مسلمانان آن را از کفار به قدرت و غلبه گرفته و در میان افراد مسلمان تقسیم کرده باشند و یا اهل آن سرزمین به میل و رغبت خود اسلام آورده باشند.
- زمین خراجی: عبارت از زمینی است که بعد از غلبه مسلمانان بر زمین های کفار آن را به خود آن مردم واگذار کرده باشند و از ایشان جزیه بگیرند.

سبب فرضیت عشر

سبب عشر در حقیقت زمینی است که از حاصلاتش حقیقتا استفاده شود بر خلاف زمین خراجی که درآن استفاده ازحاصلاتش حقیقتا ضروری نیست پس اگر قدرت کشت را در زمین خراجی داشت ولی چیزی در آن نکارید، خراج بروی لازم میشود، ولی در صورت که کشت را آفت برسد که چیزی بدست نیاید، نه عشر واجب میشود و نه خراج. (بحرالرائق)

شرائط وجوب عشر

شرایط وجوب عشر دوقسم است:

قسم اول: شرط اهلیت یعنی عشردهنده اهلیت آن را داشته باشد و شرط اهلیت باز بر دو قسم است:

۱- مسلمان باشد، پس به اتفاق دانشمندان اسلامی‌عشر بر کافر فرض نیست.

۲- بر فرضیت عشر علم داشته باشد، واین شرط جنبه عمومی‌دارد، در تمام عبادات داشتن علم شرط شمرده شده است،و عقل و بلوغ برای وجوب عشر شرط نیست چون عشر اجرت زمین بوده و لذا بر زمین مجنون و دیوانه نیز عشر واجب است.

قسم دوم: شرط وجوب است یعنی موجودیت محل عشر است، خواه زمین عشری باشد و زمین خراجی نباشد.

درس بیست و چهارم: زکات حیوان

صفحه: ۴۹

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- حیوانات که زکات در آنها فرض است را بدانند.
- نصاب مقدر شرعی برای وجوب زکات حیوانات را بفهمند.
- در مورد زکات حیوانات به دیگران توضیح داده بتوانند.

دانش لازمی

توضیح مسئله

امام محمد و فقهای که بعد از وی بودند در باب زکات حیوانات، اصطلاح (سائمه) یعنی حیوانات چرنده را بکار می‌برند و دلیل آنها مکتوباتی(نامه ها) است که از پیامبر گرامی‌اسلام ﷺ درین مورد بجا مانده است ومعنی اصطلاح (سائمه) را در ذیل مینویسم:

۱- از لحاظ معنی لغوی لفظ (سائمه) حیوان چرنده را گویند جمعی بدین نظرندکه سائمه آن شتری است که به چراگاه برده شود و از گیاهان آن استفاده کند و در خانه یا برجا گیاه داده نشود.

۲- معنی فقهی البته واژه سائمه در فقه حیوانی را گویند که بشترین حصه سال را در چراگاه سپری نموده و از گیاه مباح آن استفاده نماید و هیچ نوع مأونت مالی را بر مالك اش وارد نکند پس مباح بودن علف و گیاهی که حیوانات می‌چرند ضروریست چون در صورتی که گیاه مباح نباشد آن حیوانات هم سائمه محسوب نمی‌شوند.

۳- مقصود از نگهداری آن شیر و نسل باشد، و اگر مقصود از آن گوشت یا سواری باشد سائمه گفته نمی شود، و در آن زکات واجب نمی گردد.

حیواناتی که در آنها زکات واجب نیست

۱- بر اسپها زکات نیست: صاحبین بدین نظرند که در اسپها زکات واجب نیست و همین دیدگاه مختار برای فتوی است، بلی در صورت که اسپها بخاطر تجارت باشد در آن زکات واجب است،چون درین صورت مانند مال تجارت بوده و حکم آن را بخود میگیرد برابر است که اسپها در خانه گیاه بخورند و یا در صحرا.

۲- بر خر و قاطر نیز زکات نیست: اگر نزد کسی حیوانات دیگری مانند خر و قاطر وجود داشته باشد، در نفس آن حیوانات زکات نیست چون آن حیوانات مال تجارت محسوب میشود پس زکات آن بر اساس کار برد تجارتی آن حساب میشود البته در صورتی که قیمت آن بحد نصاب رسیده باشد و اگر به حدنصاب نباشد اصلاسوالی مطرح نمی‌شود.

۳- در چوچه های حیوانات سائمه نیز زکات واجب نیست: برابر است این چوچه ها از شتر باشد، ویا ازگاو و یاهم گوسفند و بز.

۴- هر آن حیواناتی که سواری میدهند، بار می‌کشند و یا در خانه علف و گیاه می‌خورند در آنها نیز زکات واجب نیست، چون در حدیثی آمده است که (عوامل و علوفه) یعنی در حیوانات کارگر، باربر و گیاه خوار، زکات نیست.

درس بیست و پنجم: مصارف زکات

صفحه: ۵۱

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- مصارف زکات را بشناسند.
- بفهمند که زکات به کسی که مستحق آن نیست داده نمی‌شود.
- در مورد مؤلفهٔ القلوب معلومات داده بتوانند.

دانش لازمی

مستحق زکات کیست؟

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾.

هدف از مصارف و یا مستحق زکات آن عده افراد و اشخاصی است که از نقطه نظر شرعی مستحق زکات شناخته شدند، وآنها در آیهٔ مبارکهٔ فوق بیان گریده اند، درین آیه مبارکه هشت قسم افراد مستحق زکات ذکر شده است ولی فقهای کرام در کتابهای خودآن را هفت قسم نگاشته اند و مؤلفهٔ القلوب را بدلیل اجماع صحابه کرام از مستحقین زکات حذف کردند.

آن هفت قسم اشخاص مستحق زکات این است:

۱-۲- فقیر و مسکین

فقهای کرام در مورد تعریف و توضیح این دو اصطلاح یعنی فقیر و مسکین چنین نظر دارند، در صورت که لفظ (فقیر و مسکین) بطور جدا و مستقل ذکر شود، به معنی یکدیگر بکار می‌رود ولی در صورتی که هر دو لفظ در یک کلام جمع شود، درین صورت فقهای حنفی بدین نظر اند که: فقیر آنست که ثروت اش اندک باشد یعنی در حالیکه مالش نمو کننده و عاری از قرض است، ولیکن به حد نصاب نمی‌رسد و یا مالش نمو کننده و عاری از قرض بوده و به قدر نصاب هم می‌رسد ولی از ضروریات حیات وزندگی اش میباشد مانند: خانه مسکونی، موتر سواری وغیره، و برای او اجازه سوال کردن نیست.

۲- مسکین

مسکین آنست که هیچ ثروت و مالی نداشته باشد و حتی برای پوشیدن و پنهان کردن بدنش نیزچیزی نداشته باشد و سوال کردن (گدایی) برای او درست و حلال باشد،چون برای کسیکه بدنش را پوشانده بتواند، اجازه گدایی و سوال کردن ندارد.

۳- عامل

عامل شخصی را گویند که امام وحاکم برای جمع آوری زکات و عشر مقرر کرده باشد، لفظ عامل عام است که نامهای ذیل را شامل میگردد:

۱- ساعی: ساعی آنست که به هدف جمع زکات حیوانات مقرر شده باشد.

۲- عاشر: آنست که به هدف جمع آوری عشر حبوبات از طرف امام و حاکم وقت مقرر میگردد، و به این افراد از مال زکات به قدری داده میشودکه مخارجش را در حد متوسط آن در خلال سفر و رفت و آمد بسنده باشد.

۴- رِقاب(برده)

چهارمین مصرف زکات رقاب یعنی برای آزادی برده و غلامی‌که مکاتبت میان او و بادارش صورت گرفته باشد و درتلاش پیدا کردن پول آزادی خود است، برای آزادی او ازاموال زکات پرداخت میگردد تااوآزادی خود را کسب نماید،وغلام براساس اطلاق آیه مبارکه عام است غلام کلان و کوچک هر دو را شامل میشود، و در صورتی که مکاتب هاشمی‌باشد، زکات دادن به آن درست نیست.

۵- غارم (قرضدار)

یکی دیگر از مصارف زکات غارم یا قرض دار و مدیون است، بدین معنی که اگر فردی مدیون و قرض دار است و دارایی ندارد که قرض اش را بپردازد،درین صورت از مال زکات که از مردم ثروت مند جمع آوری میشود داده میشود تا بتواند قروض خود را بپردازد،

البته قابل ذکر است که در آیه مبارکه لفظ (غارم) علت مصرف زکات نیست بلکه علت مصرف زکات فقر است اواگر قرض داری ثروت مند است، به وی زکات دادن درست نیست وهم چنان قابل ذکر است که (غارم) هاشمی‌یا از سادات نباشد.

٦- فی سبیل الله

ششمین مصرف زکات (فی سبیل الله) است یعنی افرادی که در راه خداوندﷻ مصروف کارهای خیر و نیک باشند،.

توضیح: هدف از فی سبیل الله در آیه مبارکه چه کسانی هستند؟، درین مسئله درمیان فقهای کرام دیدگاهای متفاوت دیده می‌شود مثلا: حضرت امام یوسف بدین نظر است که منظور از فی سبیل الله آن افرادی اند که به جهت فقر و تنگدستی از کاروان جهاد در راه خداوندﷻ عقب مانده اند چنین افرادی از مال زکات تقویت و کمک شوند.

حضرت امام محمد بدین باور است که منظور از فی سبیل الله افرادی اند که از قافله حجاج بیت الله الحرام عقب ماندند و قدرت و توان مالی شان به حدی ضعیف است که نمی‌توانند به ادای مناسک حج شان ادامه دهند به چنین افراد و اشخاصی نیز از مال زکات مصرف میشود. و صاحب بدائع الصنائع لفظ فی سبیل الله راعام دانسته و بر اساس دیدگاه او تمام مجراهای خیر و نیکی را شامل میگردد ولی بدلیل اینکه یکی از شرایط زکات نزد فقهای حنفی مسئله تملیک است یعنی باید پول را به کسی بدهیم که اوقادر به مالک شدن آن باشد و هر کسی ومصرفی که قدرت تملک را ندارد، مستحق زکات نیز نمی‌باشد،زکات داده نمی‌شود بدین خاطر است که در مصارف چون: تکفین میت و کندن قبر وغیره اعمار مساجد استفاد نمی‌شود، برحال این موضوع قابل تامل و تحقیق است.

٧- ابن السبیل (فرزند راه)

هفتمین مصرف زکات ابن سبیل است، هدف ازابن سبیل همان مسافریست که از خانه و کاشانه اش بدور مانده و قدرت و توان مالی نداشته و نیاز مند کمک و همکاری میباشد، است و چنین افرادی را ابن سبیل بدین خاطر میگویند که او ملازم و متعلق راه است و به همین مناسبت مسافر به ابن سبیل مسمی‌شده است، قابل ذکر است که اگر مسافر هرچند در وطنش قدرت مالی هم داشته باشد بازهم در حین سفر و دور از خانه و وطنش اگرفقیرشود مستحق زکات محسوب میشود.

درس بیست ششم وبیست هفتم: حج ومسائل آن

صفحه: ۵۳

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی ومفهوم حج را بدانند.
- سبب وشروط حج را بفهمند.
- برای فرضیت حج از قرآن وحدیث دلیل آورده بتوانند.
- به فریضه حج عقیده پیداکنند.

دانش لازمی

تحقیق واژه (حج)

لفظ حج بدو گونه خوانده میشود یکی به فتح (حَ)درین صورت حج اسم میباشد و دوم به کسر (حِ) درین صورت مصدر میباشد یعنی حج کردن، وحج را در لغت قصد را گویندکه موصوف به صفت (عظمت) باشد یعنی حج به معنی قصد عظیم و بزرگ است وعده از فقهاء حج را همین گونه معنی کرده اند.

سبب حج

مسئله ای در فقه اسلامی‌به عنوان سبب اعمال و یا اسباب وجوب اعمال مطرح است و حج هم یکی از عبادات عظیم اسلامی‌است پس سبب آن نیز باید روشن شود، لذا راجع به سبب حج گفته اند که سبب حج بیت الله الحرام است، چون در نصوص اسلامی‌لفظ حج به طرف بیت الله نسبت شده است مانند (حج البیت) و قاعده است که احکام به سوی اسباب، اضافت میشود، مانند اصول الفقه، پس تقاضای اضافت حج به طرف بیت الله هم همین است که بیت الله سبب وجوب حج باشد و به همین خاطر است که حج در طول عمر بر انسان یک بار فرض میشود چون سببش یعنی بیت الله یک است.

فرضیت حج

حج پنجمین رکن اسلام و عظیم ترین عبادت میباشد وتمام پیامبران الهی از آدم تا خاتم النبیین فریضه حج را ادا کرده اند،و درین بحث سه موضوع قابل توضیح است:

اول- دلائل فرضیت حج در قرآن و سنت و اجماع امت درین قضیه هیچ گونه شک و شبه ای وجود ندارد که حج هم مانند عبادات دیگری چون نماز،روزه و غیره فرض عین بوده و فرضیت اش با دلایل قطعی ثابت است.

۱- از **قرآن کریم**

(وَلِلّٰه عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَن كَفَر فَإِنَّ الله غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) یعنی: و حجّ این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی برای رفتن بدانجا را دارند، و هرکس کفر ورزد پس خداوندﷻ از همه جهانیان بی نیاز است.

استدلال از آیه فوق الذکر بر فرضیت حج را علما بدین گونه بیان کرده اند:

۱- لفظ (عَلی) برای ایجاب شی بکار برده میشود.

۲- لفظ (و من کفر) نیز برین مسئله دلیل روشن است، هر چند عده از علماء بدین نظرند که آیهٔ (و اتموا الحج و العمرة لله) در باره فرضیت حج نازل شده است و لی راجح آنست که آیه فوق الذکر در باره فرضیت حج نازل شده است.

۳- در آیه مبارکه فوق اول لفظ (النَّاس) وسپس لفظ (مَن) استفاده شده است که از دو لحاظ نشانگر تأکید است یکی اینکه لفظ(الناس) به (من) تبدیل شده که از نگاه بلاغی دال بر تنبیه وایقاظ میباشد. و دوم اینکه در آیهٔ کریمه تفصیل بعد از اجمال وتوضیح پس ابهام وجود دارد.

درآیه مبارکه الله تعالی استغنا و بی نیازی خود را بیان کرده که در واقع برای تارک حج نهایت خشم و غضب الله تعالی را نشان میدهد.

۲-فرضیت حج در احادیث

۱- (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الْحَجَّ فَحُجُّوا) یعنی خداوندﷻ حج را بر شما فرض نموده است پس حج نمایید.

۲- بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ... وَالْحَجِّ) یعنی اسلام بر پنج ستون نهاده شده است که از جمله حج بیت الله الحرام میباشد.

۳-فرضیت حج در اجماع امت اسلامی

امت اسلامی‌از صدر اسلام تاکنون در مورد فرضیت حج اختلاف نظر نداشته و همه متفق بودند براینکه حج فرض عین است.

٤- ازنظر عقلی(قیاس): از نظر عقلی هم مسئله کاملا واضح است زیرا تمام عبادات که در شریعت محمدی مشروع است دو هدف اساسی دارد.

۱-اظهار و ابراز عبودیت وعجز وذلت برای الله تعالی.

۲- اظهار و ابراز شکران نعمت های الهی، این دو هدف درعبادت حج نیز دیده میشود و موجود است.

دوم- فضائل حج

در باره فضیلت و جایگاه حج آیات و احادیث زیادی وارد شده است که ما درین جا برخی آنها را ذکر میکنم:

۱-(**وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ**) ای پیغمبر! به مردم اعلام کن که،پیاده، یا سواره بر شتران باریک اندام که راههای فراخ و دور را طی کنند، به حجّ کعبه بیایند.

۲- درحدیثی چنین روایت شده است:(**مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّه**).

یعنی: هر کی درحالی حج نماید که گناه ونافرمانی نکند، بحالتی از حج برمیگردد که مادرش او را جدیدا زاده بود.

۳-آن حضرت ﷺ فرمود:(**الْحَجُّ الْمَبْرُور لَيْسَ لَه جَزَاءٌ إِلا الْجَنَّةَ**).

یعنی: پاداش حج مقبول صرف بهشت است.

۴-پیامبر اسلام ﷺ میفرماید: (**الْحُجَّاجُ وَالْعُمَّارُ وَفْدُ اللَّه إِنْ دَعَوْه أَجَابَهُمْ وَإِنْ اسْتَغْفَرُوه غَفَرَ لَهُمْ**).

یعنی: حج کنند گان وعمره کنندگان مهمانان خداوندﷻ اند، اگر دعا کنند خداوندﷻ اجابت میکند، واگر استغفار نمایند، ایشان را می بخشد.

سوم- شرایط وجوب حج

شرایط وجوب حج درکُل شش قسم است و هدف ازین شرایط این است که اگر شرایط مذکور در شخصی پیدا شود، حج بروی فرض میباشد و اگر یکی از شرایط مذکور در وجود فرد پیدا نشود،حج بروی فرض نیست.

۱-**اسلام:** یعنی شخص باید مسلمان باشد و صادقانه کلمه توحید را خوانده باشد چون حج عبادت است و کفار و غیر مسلم به احکام شرعی و عبادات اسلامی‌مکلف نیستند،البته اگر کسی منافق

باشد و در حالت نفاق فریضه حج را ادا کند، مسلمانان در قبال آن هیچ نوع مسؤلیتی ندارند که اورا منع کنند و لی حج آن نزد الله تعالی قابل قبول نخواهد بود.

۲- **بالغ بودن:** انسان تا وقتی که به سن بلوغ نرسیده باشد حج بروی فرض نمی‌باشد،چون آنها مکلف شرعی نیستند در حدیثی وارد شده است که زنی طفل اش را به سوی پیامبر اسلام ﷺ بلند کرد و گفت: **(أَلِهَذَا حَجٌّ يَا رَسُولَ اللَّه قَالَ نَعَمْ وَلَكِ أَجْرٌ)** ای رسول خدا! براین طفل حج فرض است ؟ آن حضرت ﷺ فرمود: بلی حج کرده میتواند ولی اجرش به تو می‌رسد، پس معلوم شد که خود آن طفل مکلف نه بوده تا اجرش را بگیرد ونصوص دیگربراین دلالت دارد.

۳- **عقل:** هم چنان یکی از شرایط فرضیت حج همان داشتن عقل است چون افراد مجنون و دیوانه مکلف به تکالیف شرعی نمی‌باشند. **(رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنْ الْمَجْنُونِ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِه حَتَّى يَفِيقَ...)** یعنی تکلیف شرعی از سه شخص مرفوع شده است که یکی آنها دیوانه ای است که عقل خود را از دست داده است تا این به هوش آید.

٤- **حریت یا آزاد بود:** یکی دیگر از شرایط حج آزادی است درین جا مراد از آزاد در مقابل غلام است پس حج بر افراد غلام و برده فرض نیست زیرا که قدرت و توان مالی نیز یکی از شرایط حج بوده وغلام و برده مالك ثروت و مال شده نمی‌تواند ولی در صورت که بادارش برایش اجازه حج را بدهد حج او صحیح میباشد واگر بدون اجازه آقای خود حج نماید گنهگار میشود و نیز وقتی آزاد شود، حج فرضی را دو باره ادا نماید، چون بار اول حج اش در حالت غلامی‌ادا شده است.

۵- **استطاعت یعنی قدرت مالیداشتن:** همچنان داشتن سرمایه،وتوان مالی برای ادای فریضه حج نیز شرط بوده و هر کسی که توان و قدرت مالی برای مخارج و مصارف حج را ندارد حج بروی فرض نیست زیرا که الله تعالی فرموده است:

(وَلِلَّه عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْه سَبِيلا).

۶- **وقت حج:** شرایط دیگری برای حج وقت آن است یعنی حج در یك وقت مخصوص صورت میگیرد که باید آن وقت فرا رسیده باشد و آن وقت عبارت است از ماهای حج که در قرآن کریم هم به همین نام(ماهای حج) یاد شده است: **(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ...)** پس در طول سال علاوه ازین ماها عبادت حج انجام نمی‌شودآنها شوال، ذی القعده وذی الحجه است.

درس بیست وهشتم: حیاء

صفحه: ۵۹

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی لغوی واصطلاحی حیاء را بدانند.
- اهمیت صفت حیاء در زندگی را بفهمند.
- برای فضائل وجایگاه حیاء دلائل ذکر کرده بتوانند.

دانش لازمی

- **حیاء دراصطلاح:** راجع به تعریف اصطلاحی حیاء علما تعاریف مختلفی را ارائه کرده اند که ما درین جابه یک تعریف اکتفا میکنیم:امام راغب میگوید: (حیاء عبارت است از انقباض نفس در مقابل قبائح .

پس میتوان چنین گفت که حیاء یکی از صفات نیک و برجسته در وجود انسان است که حتی بخش از ایمان او محسوب میشود.

صفت حیاء نشانگر اعتدال دین اسلام

در تعالیم یهودیت قاطعیت و سختگیری وجود داشت در حالیکه تعلیمات حضرت عیسی مملو از گذشت و عفو و بخشش بود ولی دین مبین اسلام درمیان هر دو به صورت اعتدالی اش برای هدایت بشریت آمده است، معلوم است که تمام ادیان، بشریت را به سوی اخلاق نیکو و شائسته فرا میخواند ازین رو پیامبر ﷺ فرمود: **(إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ)** یعنی هر دینی به اخلاق وخوی نیک امر کرده است و اخلاق اسلام همانا حیا است. پیامبر اکرم ﷺ خواسته است که مسلمانان را آنقدر به دریافت خیر و خوبی و نیکی و کسب فضائل و شناخت بدی و قبایح و رذائل، حساسیت داشته باشند و در نهاد شان این انگیزه و احساس غرس شود که دیگر در انجام فضیلت و ترک رذایل به دنبال ثواب وعقاب نباشند چنانچه ابن قیم جوزیه درین خصوص میگوید:فرض کن که پیامبران الهی نیامده اند، و آتش جنهم روشن است، آیا واجب و سزاوار نیست که بندگان از منعم و پروردگار خود شرم و حیاء داشته باشند؟.

حیاء و ایمان باهم پیوند عمیق دارند

ارتکاب کارهای ضد فضیلت وزشت در حقیقت نشانگر این است که انسان صفت حیاء را از دست داده و استمرار و مداومت اش بر چنین اعمال ضد ارزشهای اخلاقی،رفته رفته ایمان او را نیزاز وی میگیرد طوریکه پیامبر ﷺفرمود: (**الحياء والإيمان قرنا جميعا فإذا رفع أحدهما رفع الآخر**(حاکم).

یعنی: ایمان و حیاء باهم اند و هر گاه یکی آنها برداشته شود، دیگرش نیز برداشته میشود.

ودر روایت دیگر این گونه آمده است: (**الْحَيَاُء وَالإِيمَانُ مَقْرُونَانِ، لا يَفْتَرِقَانِ إِلا جَمِيعًا**).

ایمان وحیاء با هم پیوند خورده اند واز یکدیگر جدا نمی‌شوند میگر اینکه هردو از بین بروند.

وهم چنان در حدیثی میخوانیم:(الْحَيَاءُ لاَ يَأْتی إلاَّ بِخَيْرٍ) یعنی حیاء جز خیر و سعادت، چیز دیگری به دنبال ندارد.

درس بیست و نهم: تواضع

صفحه: ۶۱

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی ومفهدوم تواضع را بدانند.
- بفهمند که تواضع یک صفت خوب برای انسان است.
- نمونه های از تواضع پیامبر ﷺ را بیان کنند.

دانش لازمی

مفهوم تواضع

لفظ تواضع از وضع مشتق بوده و وضع به معنی نهادن و فرو نشاندن چیزی است و بدین خاطر است که تولد طفل را وضع حمل میگویند چون طفل به زمین نهاده میشود و مفهوم آن از نظر اخلاق اسلامی این است که انسان خود را در برابر الله تعالی و مخلوقات اش(انسانها) از مقامی که دارد پائین تر تصور کند و ضد آن و یا نقطه مقابل آن تکبر است یعنی فخر فروشی وخود بزرگ بینی، صفت تواضع آن قدر مهم است که حضرت لقمان حکیم وقت فرزند اش را توصیه میکرد، از کنار آن به سادگی نگذشته بلکه به فرزنداش گفت **(وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ)** یعنی با تکبّر و بی اعتنائی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که خداوند ﷻ هیچ متکبّر مغروری را دوست نمی دارد.

و شاعر هم میگوید:

تواضع گر همیخواهی رفیق بید مجنون شو* که هر چند رو به بالا میرود سر بر زمین دارد.

نمونه های از تواضع پیامبر ﷺ

تعلیمات اسلام عزیز روی مسئله تواضع و فروتنی تأکید زیادی داشته و آن را به عنوان یک ارزش اخلاقی مؤثر در ایجاد فضای اخوت و برادری و همدیگر پذیری معرفی کرده است، انسان در هر سطح و مقام و جایگاه که باشد نباید ازین ارزش بزرگ انسانی غافل بماند.

شما تواضع را به گراف بالای آن در تمام زندگی پیامبر ﷺ واصحاب کرامش دیده میتوانید مثلاً آن حضرت ﷺ در **حجة** الوداع که حدود یک لک وبیست و چهار هزار صحابه او را همراهی میکردندهیچ محافظ و دفاع کننده ای نداشت و هیچ جای مخصوصی برایش در نظر گرفته نشده

بود و کسی را نگفتند که راه را برای آن حضرت ﷺ بازکن،روزی حضرت عمر بن خطاب باری سنگینی را بدوشش برداشت،برایش گفتند چرا ای امیر مؤمنان؟ حضرت عمر فرمود: نفسم مغرور بود خواستم ذلیلش نمایم، گاهی اوقات حضرت عمر دست طفلی را می گرفت و برایش می گفت: برایم دعاءکن چون تو گناه نه کرده ای.

نمونه های از تواضع در زندگی مؤمن

احترام بزرگان و اهل علم مخصوصاً معلمان، استاذان و والدین و ریش سفیدان و شفقت و مهربانی به کودکان و خوردان و دستگیری آنها و کمک شان در قسمت تعلیم، و رفع نیازمندی های دیگر آنها و رعایت حقوق همسایه ها و برخورد خوب و نیک با آنها از نمونه های بارز این ارزش اخلاقی است.

درس سی ام: صلهٔرحمی

صفحه: ۶۳

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم صلهٔ رحم را بدانند.
- انواع صلهٔ رحم را بفهمند.
- از قرآن وحدیث برای صلهٔ رحم دلیل بیان کنند.

دانش لازمی

- مفهوم صله رحمی

لفظ (صلة) از (وَصْلتُ الشيء وَصلاً) ماخوذ بوده و از نگاه لغوی ضد قطع وترک وجدایی میباشد. در قرآن و حدیث این اصطلاح زیاد تکرار شده و منظور اش این است که انسان به اقارب نسبی و صهری باید کمک و همدردی داشته و از امور و زندگی آنها آگاه بوده و در رفع مشکلات و براورده سازی نیازمندی های ایشان به اندازه قدرت و توان بکوشد و ضد این لفظ قطع صلهٔرحمی‌است یعنی عدم همکاری و همدردی به اقارب و خویشاوندان.

انواع صله رحمی

دائماً هدف از صله رحمی‌همکاری پولی و مادی نمی‌باشد چون انسان میتواند به انواع مختلف این وظیفه اسلامی‌خود را انجام دهد از جمله:

بامال، باخدمت، زیارت، سلام دادن، خیر خواهی، رفع ظلم از آنها و در صورت که آنها اشتباهی کردند بخشیدن شان و...

صلهٔ رحمی‌از بزرگ ترین طاعات الهی میباشد

نصوص وارده در کتاب و سنت نشان می‌دهد که صلهٔ رحمی‌یک امر مهم و بزرگ در اسلام بوده و قطع صلهٔ رحمی‌از گناهان بزرگ قلم داده شده است بطور مثال:

۱- الله تعالی به رعایت صلهٔ رحمی‌امر فرموده است ﴿**وَاعْبُدُواْ اللّهَ وَلاَ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً**﴾. (النساء آیهٔ ۳۶)

خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او مکنید،و نیکی کنید به پدر و مادر،بـه خویشـاوندان، به یتیمان،به مسکین ها، به همسایگانِ خویشاوند ،به همسایگانِ بیگانه، به همدمان، بـه مسـافران، وبـه بندگان و کنیزان بیشک خداوندﷻ کسی را دوست نمی دارد که خودخـواه و خودسـتا باشـد. ودر جای دیگر الله تعالی میفرماید(**وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا**).

ترجمه: حق خویشاوند را(از قبیل صله رحمیو نیکوئی و مودّت و محبّـت)بـده و حـق مسـتمند و راه مانده (از قبیل زکات و صدقه واحسان)، بپرداز، و به هیچ وجه تبذیر مکن.

۲-صله رحمی‌اولین هدف دعوت پیامبر ﷺ

این مسئله آن قدر مهـم بـود کـه آن حضـرتﷺ در اولـین روزهـای دعـوت اش آن را در خـلال مسـایل و موضـوعات دیگـر گنجانیـد طوریکـه در حـدیث ابـو سـفیان بـن حـرب وارد اسـت کـه هنگامی‌که هرقل از وی راجع بـه پیـامبر اکـرمﷺ سـوال کـرد کـه بـه چـه چیـزی شـما رادعـوت می‌کند،ابو سفیان در پاسخ گفت:**(يَأْمُرُنَا بِالصَّلاَةِ وَالصَّدَقَةِ وَالْعَفَافِ وَالصِّلَةِ).**

ترجمه:او ما را به نماز، صدقه، عفت وصلهٔ رحمی‌دستور می‌دهد .

درس سی و یکم:راستی(صداقت)

صفحه: ۶۵

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس

شاگردان باید:

- اهمیت صداقت وراستکاری را بدانند.

- بفهمند که صداقت وراستکاری باعث نجات از مصائب میشود.

- راجع به صداقت وراستی معلومات داده بتوانند.

دانش لازمی

اهمیت صداقت و راستی

حقیقت آنست که صدق و راستی نشانه ایمان، و زینت و مغز و جوهر عقیده اسلامی‌بحساب می‌رود و در مقابل کذب و دروغ دریچه ای به سوی معصیت، نفاق و بد دیانیتی است. گویا سعادت وشقاوت بشری میان دو چیز می‌چرخد یعنی میان صدق و کذب چون پیامبر ا ﷺ گفت: (الصدق ينجي والكذب يهلك) یعنی راستی صفت نجات بخش و دروغ خصلت هلاکگر است.

صدق و راستی صفتی است که در طول تاریخ بشری تماماً به حسن آن اتفاق نظر داشته و یکی ارزشهای مقدس و مطلوب شناخته شده است ودر اسلام عزیز هم صدق یکی از عالی ترین صفات نیک محسوب میشود که برای رعایت آن در قرآن و سنت نصوص گوناگونی وارد شده که این از ذکر همه آنها معذوریم ولی به آن در ذیل اشاره میگردد:

- جایگاه صداقت و راستی

۱- پیامبر ﷺ و پیروان راستین به آن متصف شدند: ﴿**وَالَّذِي جَاء بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ**﴾ الزمر(۳۳) یعنی کسی که حقیقت و صداقت را با خود آورده و کسی که حقیقت و صداقت را باور داشته است، آنان پرهیزگاران واقعی هستند.

۲- صداقت از اولویات دعوت اسلامی‌بحساب می‌رود. چنانچه در حدیث ابوسفیان گذشت که او گفت: (**ويأمرنا بالصلاة و الصدق**) یعنی پیامبر ﷺ ما را به نماز وراستکاری دستور میدهد.

۳- صداقت و راستی دارای فوائد و ثمرات زیادی هست که در ذیل به چند نمونه آن اشاره میشود:

۳- صداقت و راستی سر چشمه خوبیها و شائستگی ها است وصداقت در حقیقت محور پیروزیها و موفقیت های دنیا و آخرت است طوریکه پیامبر ﷺفرمود:(فان الصدق یهدی الی البر) یعنی راستی به سوی نیکها سوق میدهد.

۴- صداقت ضد و نقطه مقابل نفاق میباشد (ثلاث مَن کُنَّ فیه کانَ مُنَافِقاً إذا حدَّث کذب) یعنی سه صفت طوری است که در هر کسیکه باشد او منافق است از جمله: وقتی سخن بگوید، دروغ میگوید.

۵- صداقت و راستی باعث نجات از مصائب و مشکلات میگردد طوریکه چند نفر درگذشته ها در کوهی داخل مغاره ای گیر ماندند، راه دیگر برای بیرون رفت نه بود، آنها به یکدیگر شان گفتند (إنه والله یاهؤلاء لاینجیکم الا الصدق) یعنی به خداوندﷻ سوگند شما را ازین مصیبت به جز راستی و صداقت تان چیز دیگری نجات نخواهد داد، چنانچه با صداقت و راستی که قبلاً انجام داده بودند از آن نجات یافتند.

۶-صداقت و راستی باعث رضایت الله میشود، در جنگ تبوک که مسلمانان خیلی نیاز جدی به مال و افراد داشتند چون دشمن بسیار نیرومند بود، و نفیر عام شده بود و لی در مدینه منوره حضرت کعب بن مالك و دو نفر دیگر از مسلمانان نتوانستند دراین نبرد تاریخی اشتراک نمایند، در برگشت پیامبر ﷺو لشکر مسلمین مردمان به کعب تلقین کردند دروغ بگوید و خود را نجات دهد ولی او دروغ نگفت و قضیهٔ عقب ماندنش را صادقانه تشریح کرد که درنتیجه همین صداقت و راستگویی اش آیات در قرآن کریم دربشارت به بیان قبولیت توبه شان نازل شد و خداوندﷻ و رسول اش از ایشان راضی شدند.

۷- مردم به اشخاص و افراد صداقت پیشه اعتماد میکنند.

۸- صداقت و راستی باعث برکت در کسب و کار میگردد.

در حدیث آمده است که (خریدار و فروشنده تا وقتی که از هم جدا نشده باشند اختیار دارند، پس اگر در عقد خود راست گویند و عیب و کیفیت مال خود را بیان کنند، در معامله شان خداوندﷻ برکت می‌اندازد و اگر دروغ بگویند و عیب مال خود را کتمان کنند برکت معامله شان نابود میگرد.

درس سی و دوم:اطاعت والدین

صفحه: ۶۷

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- بدانند که اطاعت والدین واجب است.
- بفهمند که ناسزاگویی ونافرمانی والدین حرام وگناه است.
- بتوانند درمورد حقوق والدین توضیحات دهند.
- به والدین وبزرگان احترام کنند.

دانش لازمی

اطاعت والدین قرین توحید است

چنانچه که میدانیم اطاعت و فرمان بر داری والدین بر فرزندان از مسؤلیتهای بزرگ نظام فامیلی محسوب میشود و الله تعالی در سورهٔ اسراء بعد ازینکه به عبادت و پرستش خویش دستور میدهد به تعقیب آن به رعایت حقوق والدین و احترام و اطاعت آنها نیز امر میکند: (**وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاَهُمَا فَلاَ تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا**). یعنی: پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید،هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند، به آنان اُف مگو و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو.

اطاعت والدین واجب است مشروط براینکه

اطاعت پدر و مادر در امور روا و مشروع واجب است، شریعت اسلامی‌مسلمانان را به این مسئولیت دستور داده و عقل سالم آن را می‌پسندد. این اطاعت فرزندان حتی شامل پدر و مادری که مسلمان هم نیستند می‌شود و تنها در اموری که معصیت و نارواست، نباید از آنان اطاعت نمود؛ زیرا در جهت نافرمانی خداوندﷻ، نباید از مخلوقی پیروی کرد. خداوند متعال در این رابطه می فرماید:(**وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**) سورهٔ لقمان(۱۵).

ترجمه: هرگاه آن دو (پدر و مادر) تلاش کردند که چیزی را با خداوندﷻ شریک نمایی که کمترین آگاهی در مورد آن نداری، از ایشان اطاعت مکن. در دنیا با ایشان همیشه به صورتی

شایسته رفتار کن و راه کسانی را در پیش بگیر که به جانب من رو کرده‌اند. بعد هم همه به سوی من باز می‌گردند و من شما را از آن‌چه (در دنیا) می‌کرده‌اید آگاه می‌سازم.

-همیشه خدمات والدین را سپاس گزار باشیم.

یکی از زیباترین آداب در مقابل والدین سپاس گزاری از ایشان در برابرآن خدماتی است که ایشان درطول حیات وزندگی ما انجام داده، زیرا در زمان کودکی و جوانی ـ به ویژه مادر ـ از هیچ تلاش و دلسوزی و خدمتی به فرزندان خویش کوتاهی نکرده‌اند، به همین خاطر سپاسگزاری و قدردانی از زحمات آن‌ها ضروری است، وخداوند متعال شکر و سپاس آن‌ها را در کنار حمد و سپاس خویش قرار داده و فرموده است:**(أَنِ ٱشكُر لِي وَلِوَٰلِدَيكَ إِلَيَّ ٱلمَصِيرُ).**

ترجمه:ومرا و پدر و مادرت را شکر گزار باش و سرانجام به سوی من بازخواهید گشت.

جایگاه مادراز دیدگاه اسلام

هردو(والدین)هر چند قابل ترحم و مهر ورزی اند ولی مادَر در این مورد بر پدر اولویت دارد و باید بیشتر مورد احترام، اطاعت و تواضع قرار گیرد، زیرا به هنگام بارداری، وضع حمل، شیر دادن، نگهداری و تربیت، زحمات زیادی را متحمل گردیده و آسایش فرزندش را بر آسایش خویش مقدم داشته است و بسیاری از شب‌ها را در کنار گهواره کودک ـ به ویژه به هنگام بیماری و درد ــ بیدار مانده است، خداوندﷻ متعال در این مورد می‌فرماید:**(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا).**

ترجمه:ما به انسان توصیه می‌نماییم که با پدر و مادر خویش به خوبی رفتار نماید؛ زیرا که مادرش با رنج و زحمت او را حمل کرده و با رنج و مشقت به دنیا آورده است و دوران حاملگی وشیرخوارگی او سی ماه به طول می‌انجامد.

درس سی و سوم: اسراف

صفحه: ۶۹

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم ومعنی اسراف را بدانند.
- بفهمند که سرمایه یکی از نعمتهای الهی است.
- برای اینکه اسراف شرعا عمل نادرست است، دلائل بیان کنند.
- خودشان اسراف نکنند.

دانش لازمی

مال نعمت الله تعالی

ثروت و مال در حقیقت یکی از نعمت های الهی بوده و باعث زیب وینت انسان در زندگی دنیوی میباشد الله تعالی میفرماید: ﴿**الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا**﴾ (الکهف ۴۶). یعنی: دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیا اند و امّا اعمال شایسته ای که نتایج آنها جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد، و بهترین امید و آرزو است.

مال و ثروت یک ضرورت بشری

جای شک نیست که ثروت و مال برای اینکه حیات بشری تداوم و استمرار پیداکند، نهایت ضروریست و هیچ خردمندی از ضرورت آن انکار نمی‌ورزد و اسلام هم از داشتن ثروت و سرمایه نه تنها منع نمی کند بلکه برای کسب و بدست آوردن آن تشویق و ترغیب می‌نماید. البته این نکته را فراموش نکنیم که اسلام از کسب مال از مجراهای غیرشرعی مانند غضب،رشوت، سرقت و... شدیدا مسلمانان را برحذر می‌دارد چنانچه او تعالی می‌فرماید:﴿ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي الأَرْضِ حَلاَلاً طَيِّباً وَلاَ تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ**﴾ (بقرهٔ ۱۶۸).

ترجمه: ای مردم!از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است بخورید،و پا به پای شیطان راه نیفتید، بی گمان او دشمن آشکار شما است.

ونیز خداوند بزرگ به بندگان خویش دستور می‌دهد که از تناول مال حرام خودداری کنید: ﴿وَلاَ تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ البقرة(۱۸۸).

ترجمه: واموال خودتان را به باطل(و ناحق، مثل رشوت ، ربا و غصب و دزدی. ..) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید.

اسراف یک عمل نادرست

ولی گاهی اوقات انسان مال و ثروت که را در حقیقت نعمت الله تعالی و وسیله تداوم حیات بشری محسوب می‌شود، در مخالفت با اسلام و شریعت محمدی در مجراهای غیر اسلامی‌و یا در مجراهای مشروع ولی بدون ضرورت و نیاز باکمال بی اعتنایی صرف میکند که شرعاً آن را اسراف گویند و اسلام از اسراف و در مجموع ضائع کردن ثروت ودارایی منع کرده است و آن شخص را برادر شیطان خوانده است خداوندﷻ میفرماید: ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (۲۶) إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ الاسراء۲۷.

ترجمه: حق خویشاوند ومستمند وراه مانده را بده و به هیچ وجه از بی جا خرجی کار مگیر،بی شک بی جا خرج کنند گان برادر شیطان اند وشیطان بسیار ناسپاس پروردگار خود است.

وهمچنان الله تعالی درجای دیگر میفرماید:(يَا بَنِي آدَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ). الاعراف ۳۱.

ترجمه: ای فرزندان آدم ! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده روی مکنید که خداوندﷻ مسرفان و زیاده روی کنندگان را دوست نمی دارد.

و در مورد کسانی که مال را با در نظر داشت هدایات اسلامی‌مصرف میکنند میفرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ الفرقان ۶۷.

ترجمه: و کسانی که به هنگام خرج کردن نه زیاده روی می کنند و نه سختگیری، و بلکه در میان این دو،میانه روی و اعتدال را رعایت می کنند.

از خلال آیات فوق بخوبی میتوان استنباط کرد که اسلام چقدر در قضیه اموال و ثروت و سرمایه قوانین و اصول اعتدالی و موزون را مطرح کرده است که در واقع اگر به نظر منصفانه دیده شود،

متوجه می‌شویم که اسلام در قسمت قوانین مالی تمام ابعاد و بخشهای آن را در نظر دارد و برای هر بخش قانونی را بیان نموده است که تا صبح قیامت راهگشائی جهان بشریت میباشد،انسان در هر سطح و مقام و جایگاهی که قرار داشته باشد، نمی‌تواند ازین قوانین بی نیاز باشد.

اسباب اسراف چیست؟

درین قسمت اسباب و عوامل و انگیزه های اسراف وتبذیر را بیان می کنیم که از آن جمله:

۱- جهل برخی مسلمانان از تعالیم اسلام

مسلمان تا حال درین که اسراف یک امر حرام و نادرست و تعقیب دنیوی (تعزیر) و بازرسی آخروی داردرانمی‌داند.

۲- سابقه داری در اسراف

احیانا اشخاص بدلیل اینکه در کنار و آغوش خانواده های اسراف کار پرورش وتربیت یافته اند بدین خاطر اسراف به عنوان یک عادت مستمر و دایمی‌همچون معتادی که به مواد مخدر در زندگی اش جاگرفته و اکنون اراده و قدرت خود داری از آن را ندارد،میباشد.

۳-عدم آینده نگری برخی ها برخی هادرفکرآینده خود نمی‌باشند و فکر میکنند که همین قدرت وثروت و امکانات جاویدانه خواهد ماند،در حالیکه هیچ کس آینده راتضمین کرده نمی‌تواندوسنت و طریقه خداوندیﷻ هم درطبعیت همین گونه است که گاه اشخاص ثروت مند به گدای ذلیلی مبدل میشوند و افراد بینوا به بزرگ ترین قدرت اقتصادی تبدیل میگردند،پس مال وثروت بی جا و بی مورد تلف و ضائع نشود و برای ذخیره اخروی و نیز آینده های خویش متوجه باشیم.

٤-همنشینی با اسراف گران

بعض اوقات نشست بر خاست با افراد و اشخاص که به صفت بد و نادرست اسراف کاری گرفتارند،انسان را به اسراف کاری و تبذیر و ضائع کردن مال و دارایی و ثروت وامیدارد.

۵-فخر فروشی

هم چنان برخیها میخواهند که بااسراف کاری بدیگران نشان دهند که از قدرت و توان مالی بالای برخوردار اند و هرچه خواسته باشند می‌توانند آن را انجام دهند ونیز اینکه دیگران در عروسی وخیرات وختم هاوامثال آن چقدر پول مصرف کردند؟ پس او چرا ازآن قدر پول مصرف نکند؟ و اگر نکند دیگران او را ممسك و بی غیرت فکر میکنند،این عادات و رسوم جاهلانه است که مردم ما را دچار این معضل کلان ساخته است.

درس سی وچهارم:حجاب

صفحه: ۷۱

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم حجاب را بدانند.
- محاسن حجاب اسلامی‌ومعائب بی حجابی را درک کنند.
- از آیات واحادیث برای حجاب معلومات داده بتوانند.

دانش لازمی

هدف اسلام ازحجاب چیست؟

دین مبین اسلام در قوانین ودستور العملهای که برای هدایت جوامع بشری ارائه نموده است، به زنان مسلمان توجه خاص وقابل ملاحظه ای داشته ودر هر مطقع از حیات شان آنها مورد عنایت این دین الهی قرار دارند چه درعرصهٔ دانش وفراگیری علم باشد وچه درزمینهٔ تملک وکسب وکار وچه در قسمت حفظ عزت وکرامت انسانی واسلامی‌ایشان، از جمله عنایات الهی به ایشان مسئلهٔ حجاب است که درواقع حجاب برای مقید ویا به زنجیر کشاندن آنها نه بلکه درصورتی که بدون تعصب وبدور از تقلید های کور کورانه به این قضیه بنگریم میدانیم هدف از حجاب اسلامی‌درحقیقت حفظ عفت وعزت ایشان است ومحدودیت‌هایی که در لباس و زینت زن قرار داده شده است، فقط برای جلوگیری از فسادی است که در نتیجه آشکار کردن زینت به وجود می آید، لذا آنچه اسلام آورده است، به معنی محدودیت آزادی زنان نیست، بلکه اسلام میخواهد او را از سقوط درگودال ذلت ورسوایی وابتذال نجات دهد.

اهمیت وجایگاه حجاب دراسلام

۱- حجاب وفرمان بر داری از الله ورسول وی:

رعایت حجاب اسلامی‌درحقیقت نشانگر پیروی واطاعت خدا ورسول است ومسلمانی که در مورد حجاب دچار مشکل است، این را بداند که دربرابر الله ورسول وی سنگرگرفته وبا دستور وفرمان پروردگارش سر مخالفت وطغیان گری دارد خداوند بزرگ میفرماید:﴿ **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَي اللهُ وَ رَسُوْلُهُ أَمْراً أَن يَّكُوْنَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَن يَّعْصِ اللهَ وَ رَسُوْلَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُّبِيْناً**﴾. یعنی: کاری که خدا و پیامبرش در آن داوری نمایند، هیچ مرد و زن مؤمنی در آن کار، از خود اختیاری ندارند، و هر کس از دستور خدا و پیامبرش، سرپیچی نماید، دچار گمراهی کاملاً آشکاری می گردد.

ونیز خداوندﷻ زنان مسلمان را دستور میدهد که باید مواظب ومراقب دید ونظر خویش باشند تا مبادا ملعبه وبازیچۀ افراد افعی صفت قرار گیرند، او تعالی میفرماید:﴿ وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ وَ لا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَي جُيُوْبِهِنَّ﴾. یعنی: به زنان مؤمن بگو: چشمهای خود را ـ از نامحرمان ـ پایین اندازند، عورت‌های خود را حفظ نمایند و زینت خویش را آشکار نکنند مگر آن مقدار که ظاهر است و روسری‌هایشان را بر گریبانشان بیندازند.

حجاب وپاکی از آلودگیها

جای شک وتردید نیست کسانی که متوجه حجاب ومواظب خویش چه درگفتار وچه دررفتار وچه درلباس باشند، باکمال شرافت وعزت وسربلندی درجامعه زندگی میکنند چون وعدۀ خداوندیﷻ است: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوْهُنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوْهُنَّ مِن وَّرَاءَ حِجَابٍ ذَالِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوْبِكُمْ وَ قُلُوْبِهِنَّ﴾. **ترجمه**: هنگامی که حاجتی ـ از وسایل منزل ـ از آنها یعنی همسران پیامبر، خواستید، از پشت پرده، بخواهید. این کار، برای پاکی دلهای شما و دلهای آنان، بهتر است.

حجاب وتقوی

لباس وپوشش نیك واسلامی‌درحقیقت نشان دهنده تقوی وپرهیزگاری شخص محسوب میشود خداوند متعال درقرآن کریم فرموده است: ﴿ يَا بَنِيْ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكَمْ لِبَاسًا يُّوَارِيْ سَوْآتِكُمْ وَ رِيْشاً وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَالِكَ خَيْرٌ﴾. یعنی: ای فرزندان آدم! ما لباسی برای شما درست کردیم که هم عورات شما را می‌پوشاند و هم مایۀ تجمل و زیبایی شما می‌گردد اما بدانید که لباس تقوا، بهترین لباس است.

ویژگیهای لباس اسلامی(حجاب)میخواهیم در ذیل این سطور به مواصفات و ویژگهای لباس(حجاب) اسلامی‌را ذکر کنیم تا این سوال باقی نماند که پس حجاب اسلامی‌یعنی چه؟ - همه بدن زن را بپوشاند.

- خودش زینت نباشد.
- .وسیع وفراخ باشد
- معطّر و خوشبو نباشد.
- مشابه با لباس زنان غیر مسلمان نباشد.
- مشابه با لباس مردان نباشد.
- لباس مشهور نباشد.

اینها شروط ومواصفاتی هستند که از کتاب و سنت و آثار سلف امت ثابت هستند.

درس سی و پنجم: فضایل صدقه

صفحه: ۷۳

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

-فضائل صدقه را بدانند.

-بتوانند درباره صدقه توضیحات دهند.

به صدقه دادن ودستگیری بینوایان علاقه مند شوند.

دانش لازمی

انفاق در راه خداوندﷻ

خـرج وانفـاق در راه الله تعـالی آن هـم از نعمتهـای کـه او تعـالی دراختیـار بنـده اش گذاشـته است،نشانگر لطف ومرحمت بی پایان خداوند بزرگ است پس انسان مسلمان بایـد ازایـن فرصـتها استفاده نموده زمینۀ تقرب الهی را برای خـود فـراهم بسـازد او تعـالی میفرمایـد:﴿**وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّه وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَـت عِندَ اللَّهِ وَ صَلَوَ تِ الرَّسُولِ أَلاَ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِی رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيم**﴾.

ترجمه:گروهی از عرب های بادیه نشین، بـه خـدا و روز آخـرت ایمـان دارنـد و انفـاق خـویش و دعاهای رسول خدا را مایه تقرب به خداوند می دانند، آگاه باشید این ها، مایه تقرب آن هاست، به زودی خداوندﷻ آن ها را در رحمت خود وارد خواهد ساخت و به یقین خـدا آمرزنـده و مهربـان است.

صدقه وآرامش روحی

از نتائج وبازتابهای نیک وخیر خـرج در راه خداونـدﷻ ایـن اسـت کـه انسـان بـه آرامـش روحـی واطمینان کامل دست پیدا میکند چنانکه او تعالی فرموده است: (الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَلَهُم بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُون).

ترجمه:کسانی که اموال خود را در شب و روز و نهان و آشکار انفاق می کنند، پـاداش آنـان نـزد پرورد گارشان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

صدقه باعث بخشش گناهان میشود

الله تعالی میفرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَقَ بَنِى إِسْرَ ءِيلَ... لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَوةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَوةَ وَءَامَنتُم بِرُسُلِى وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّت تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَر﴾ .

ترجمه: و خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت...اگر نماز به پا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاد کنید و به خدا قرض نیکو دهید (در راه او به نیازمندان کمک کنید) گناهان شما را می پوشانم و شما را به باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم.

دریک صدقه چندین نفر پاداش میگیرند

چنانچه از عائشه صدیقه روایت شده است که آن حضرت ﷺ فرمود:(**إذا أنفقت المرأة من طعام بيتها غير مفسدة كان لها أجرها بما أنفقت، ولزوجها أجره بما كسب، وللخازن مثل ذلك، لا ينقص بعضهم أجر بعض شيئًا**). یعنی: چون زن از غذای خانه خود درحالیکه نیت تخریب کاری نداشته باشد، در را ه خداوندﷻ خرج کند، الله تعالی برای وی پاداش انفاقش را، برای شوهرش پاداش کسبش را وبرای نگهبان نیز پاداش میدهد و اینها یکی از دیگری ثواب را کم نمیکند.